

موفقی شدید جنگ پارتیزانی را با انرژی هر چه بیشتر به جنگ تحرکی -
 مبدل کنیم. مشکلات دیگر هنگامی پدید آمد که گسترش جنگ پنهان شدت
 یافت که جنگهای پارتیزانی را تلج می کرد و در نتیجه جنگ تحرکی با
 مشکلات عظیمی روبرو می شد. زیرا گذاشتن دستورات صادر شده در مورد
 تدارک و آمادگی کافی برای حملات متقابل تنها جن و تصرفی با تاز شهبانی که شید
 بتدریج بر طرف گیرید. با وجود این، رهبری بر اساس جریان عملی تجربیات
 خود درک کرد که این روشها مبارزه را بطور صحیح و متعادل با هم
 هماهنگ کند. انطباق و هماهنگی همزمان این روشهای جنگی اساس
 نیروی ما را تشکیل داد.

لشکر کشی ها ثوبین در پایگاه پاک بو می تواند نمونه ای در امر
 هماهنگی جنگ پارتیزانی و جنگ تحرکی محسوب شود. در عوض، لشکر
 کشی زمستانی / پاییزی ۱۹۵۳/۵۴ در عرصه عملیات جبهه دین بیسن فو
 نمونه ایست برای نقش مشترک رهبری و اجرای جنگ تحرکی و جنگ پارتیزانی
 در این دو نمونه جنگهای جبهه ای (سنگری) در جبهه اصلی با جنگهای
 پارتیزانی در پشت جبهه دشمن با هم هماهنگ شدند. این هماهنگی
 در سایر جبهه های جنگ که در بخشهای دیگر کشور درگیر بود صورت گرفت.

در جریان و پراتیک جنگ پارتیزانی و جنگ تحرکی پروسه ای در گون شدن
 دائمی تناسب نیروها و پایگاههای عملیات جنگی نیز بوجود پیوست. تا
 بدانجا که مناطق آزاد شده از مناطق اشغالی تعین داده می شد.
 این مناطق گاهی در یکدیگر تداخل می کردند، گاهی با یکدیگر در تقاطع
 بودند و گاهی روی یکدیگر سوار شده بودند. در مواردی که پارتیزانها
 در مناطق اشغال شده رخنه کرده و در آنجا با یگانها و مناطق پارتیزانی
 تشکیل می دادند نیز باز مناطق مزبور از مناطق اشغالی تعین داده می شد و
 تداخل و تقاطع و روی هم سوار شدن این دو منطقه در این جا نیز
 وجود داشت.

هدف استراتژی ما عبارت بود از گسترش مناطق آزاد شده و مناطق
 پارتیزانی و با این امر تکمیل مناطق اشغالی دشمن.

هدف نهائی ما عبارت بود از رهائی و استقلال سرانگشور.

استراتژی جنگ طولانی که تیدیل تدریجی جنگ پارتیزانی به جنگ
 تحرکی، تلسیقی جنگ پارتیزانی با جنگ تحرکی و اجرای جنگ تحرکی
 با عناوین جنگ جبهه ای و هماهنگی همزمان آنها را تشکیل می داد نتیجه
 شرایط و تجربیات پیکار رهاشیشخ طوی ما بود. استراتژی و تاکتیک جنگ
 خلق نیز همانست. هنر عملیات نظامی در جنگ خلق که جنگ انقلابی
 کشور عقب افتاده ای تحت رهبری حزب است در این امر نهفته است.

در جریان نبرد رهاشیشخ ملی ما ساختار و تاسیس یگانها برای پیکار
 مقاومت جویانه طولانی نقش عمده و مرکزی دارد. لازمت که این مسئله
 از اساس و بطور اصولی مورد تحلیل قرار گیرد و تجربیاتی که کسب شده
 مورد توجه باشد. پیکار رهاشیشخ خلق و بنام و پیروزی آن نتیجه
 و برآیند تلاشهای خلقی است با وابستگی استعماری و نیمه فئودالی
 پیروزی کشور کوچک و ضعیفی است با اخصا در عقب افتاده که تحت
 رهبری حزب پیشا جنگ طبقه کارگر در مبارزه مسلحانه طولانی علیه

تجاوزگران امپریالیست قیام کرده است. این پیکار مقاومت جویانه. شمال کشور را با جنگ آزاد کرد. پس از صد سال سرکوبی نمی از کشور را از زیر سلطه دشمن امپریالیستی و ارتش استعماری رها ساخت. پیکار مقاومت جویانه ما شرایطی پسندید آورد تا فرم ارضی بطور اساسی اجرا شود و پایان گیرد.

این پیروزی، اولین پیروزی است که پس از هزاران سال ما لکیت فئودالی - بر زمین بوقوع پیوست. در نتیجه از کشور بساط سلطه ای استعمار و استثمار ماکین بزرگ برچیده شد. پیکار مقاومت جویانه ما شرایط مقدماتی را در شمال آزاد شده بوجود آورد و ممکن ساخت که انقلاب به مرحله ای عالیتر - یعنی به مرحله ای سوسیالیستی گام نهد. اینک خلق ما در نتیجه ی رونق و شکوفائی اقتصادی فرم ارضی در راه ساختمان سوسیالیسم در شمال کشور به پیش می تازد تا بین از پیش قتل سر آغاز مبارزه بخاطر وحدت مجدد کشور، تکمیل انقلاب دموکراتیک ملی در سراسر کشور شود.

پیکار متحدین مقاومت جویانه ی خلق ما که راه انقلاب اوت را در پیش گرفت و پرچم مبارزه علیه استعمار بخاطر رهائی ملی را بردوش کشید بطور واضح و مشخص نشان داد که در تناسب فعلی نیروهای جهانی کشور کوچک و ضعیفی که تحت رهبری پیشاهنگ طبقه ی کارگر همچو یک تن بیاخیزد تا بخاطر استقلال و دموکراتی مبارزه کند از نظر معنوی و مادی در موقعیتی قرار دارد که بر مضجعاوز - هر که باشد - پیروز گردد. در شرایط مشخص تاریخی مبارزه ی مسلحانه ی طولانی می تواند به رهائی و استقلال ملی نائل شود.

پیکار مقاومت جویانه ی خلق ما و پیروزی او بر استعمار که در حال انحلال کاملیست غربی کشنده ی وارد آورد. بر امپریالیستهای جنگ افروز نیز ضربه ی متقابل سنگینی وارد کرد و بدین ترتیب مبارزه ی مشترک خلقهای سراسر جهان را بخاطر صلح، دموکراتی و سوسیالیسم به پیش راند.

بررسی و تحلیل عمیق گاهی نا ثورهای پیروزی نشان می دهد که پیروزی پیکار مقاومت جویانه ی خلق ما همچون:

- رهبری حزب طبقه ی کارگر است
- شناخت نقش مرکزی مسئله ی دهقانی و بدین ترتیب بوجود آوردن جبهه ی وسیع ملی بر اساس وحدت کارگران و دهقانان است.
- ارتزق هر مان خلق است
- موجودیت و عا کیت قدرت خلق است.
- همبستگی و کمکهای خلقهای کشورهای برادر و خلقهای آزادی دوست - غرانسه و مستعمرات ترانسه است.

در چارچوب این مقاله آنطور که باید به این امر توجه نشد که علل موفقیت و پیروزی و رابطه ی آنها را با یکدیگر تحلیل کنیم. بلکه بیشتر به مسئله ی رهبری حزب پرداختیم تا از آن در سبهای برای پراتیک مبارزه بگیریم.



حزب ما با موفقیت ساختمان و سازمان نیروهای
انقلابی خلق را رهبری و اجرا کرد.

در مبارزه بخاطر رهائی ملی و آزیمای در آوردن امپریالیسم و دستیاران
امپریالیستها، خلق ما و در راس آن توده های کساکر و دشمنان برهبری
حزب ما اسلحه بدست گرفت و نیروهای مسلح خود را سازمان داد.
لنین گفت: «دلیلی قسسه ی سرکوب شو نبوده ای که نمی آموزد
اسلحه بکاربرد و آنرا تصاحب کند سزاوارست که با سرکوبی با وی
رفتار شود.»

خلق ویتنام آموخت که اسلحه بکاربرد. او نیروهای مسلح خویش را
سازمان داد. زیرا فقط بدین ترتیب می توانست در امر رهائی ملی نیمه از کشور
موفقیت بدست آورد.

پس از تاسیس قدرت خلق می بایست ساختمان و سازمان نیروهای مسلح خلق پیشرفت
کند. این امر که در جریان پیکار مقاومت، پیویانه و وظیفه ی درجه ی اول بود
اکنون پس از برقراری مجدد مسلح نیز اهمیت ویژه ای داشت. نیروهای مسلح
انقلابی خلق ما - که در راس آن توده های کارگران و دهقانان قرار داشتند
از جنبش انقلابی سرانمرطت ما پدید آمد. حزب ما از همان ابتدا مصمم
شد که گروه های مسلح دفاع از خود کارگران و دهقانان را بوجود آورد و
بدین ترتیب ارتش کارگری و دهقانی را سازمان دهد. در جریان جنبش
شوراهای سرخ "نگه آن - ما تین" گروه های دفاع مسلحانه از خود پدید
آمدند که هسته ی نیروهای مسلح انقلابی را به رهبری حزب ما
تشکیل می دادند.

پس از آغاز جنگ دوم جهانی تدارک قیام مسلحانه برای جنبش انقلابی
نقش مرکزی به خود گرفت. قوای دفاع مسلح از خود و قوای ضربتی تشکیل
شدند. این قوا در پایگاه های انقلاب - در مناطق کوهستانی بانک بو -
خود را آماده می کردند تا بزودی در گلیهی بخش های کشور گام نهند.
سازمان های متعدد نظامی پیشا جنگ ارتش خلق یکی پس از دیگری پدید
آمد: ارتش ملی، شمیاهی تبلیغات ارتش رها ئی بخش ویتنام و گروه های
پارتیزانی "با - تو". این ارتش های کوچک با قدرت بیجا نندی جنگیدند.
آنها توانستند در شرایط بسیار دشوار مواضع را نگهداری کنند. آری، حتی
در برابر دشمنی که صد هزار بار نیرومندتر از آنان بود مواضع
را کاملاً و گسترده تر سازند.

تسترش جنبش ضد ژاپنی در سال ۱۹۴۵ پس از آغاز فصلی بود برای شروع
جنگ های پارتیزانی. نیروهای انقلابی گرد هم آمدند. در مناطق آزاد شده
دستجات مسلح گوناگون انقلابی با یکدیگر متحد شدند و از وحدت آنها
ارتش رها ئی بخش ویتنام تشکیل گردید. این ارتش انقلابی
در مجاورت قوای دفاع مسلحانه از خود و سرانمرط خلق در قیام اوت
شرکت جست. در مبارزات پدافتحار ماه اوت و پس از اغتخار پیروزی قیام اوت
و انقلاب اوت ارتش رها ئی بخش سریعاً گسترش یافت. این ارتش ارتش حکومت

جمهوری در موآراتیک ویتنام شد که اینک ارتش آنتونی خلق ویتنام است .
این سالها می توانند سالیکان ساختن و سازمان ارتش مانامیده
شود .

در طول نه سال یکبار مقاومت جویانه ، ارتش خلق لا ینقطع با امپریالیست
های فرانسوی و مداخلهگران امریکائی جنگید . این جنگهای دلیرانه که
نه سال ادامه داشت و پیروزی های
پرافتخار ارتش ما سالیکان
ا صوز تر ، و رشید ارتشش ما می باشند . ارتش ما روز بروز
نیرومند تر و بزرگتر شد ، از این پیروزی به پیروزی های دیگر نائل شد و تا
قله های جمعی این پیروزی ها ، پیروزی عظیم دین پیمن فسو
گام برداشت . نبرد مائاومت جویانه نه ساله ای ما پایان گرفت . ارتش خلق
صلح را در هند و چین برقرار ساخت و نیکی از کشور را آزاد کرد .

اینک پنج سال است که از آغاز صلح سپری می شود و ارتش ما وجود دارد .
این ارتش دست اندر کار شده . تا سال زمان و ساختن خود را متناسب با
مرحله های برقراری صلح با کلیه وسایل ارتقا دهد . این
ارتش باید به یک ارتش در هم شکننده ، خلقی ، به یک ارتش مدرن خلقی ،
مبدل شود تا بتواند در آن واحد هم تعلیم و تربیت سوسیالیستی و کار
ساختن شمال کشور را انجام دهد و هم مبارزه بخاطر اتحاد میسر
کشور را بر روش صالمت جویانه به منصفی ظهور رساند .

ارتش خلق ویتنام یک ارتش است که از جنبش انقلابی خلق
کشور مستعمره ای که برای رهائی خویش بپا خاست بوجود آمده است . این
ارتش حتی قبل از قیام سلحشانه نیز با دلیری قابل تحسینی علیه امپریالیست
های فرانسوی و ژاپنی جنگید . این ارتش دوش بدوش سراسر خلق بپا
خاست تا قدرت انقلابی را بکاربرد و یک ارتش حرفه ای تعلیمات دیده و مجهز
را - یعنی ارتش متجاوز امپریالیستهای فرانسوی و شرکای امریکائی آنها را -
شکست دهد . این ارتش استوار و مصمم اراده ای سراسر خلق و روحیه ای
رزمنده گی خلق را به منصفی ظهور رسانید . این ارتش ، واقعا شایستگی دارد
نام " ارتش دلاور ملت ما " را به خود گیرد .

موفقیتهای ارتش خلق ما ، موفقیتهای خلق ما و حزب ماست . در طی پروسه ای
طولانی ساختن و تکمیل ارتش ما ، حزب ما ، خط مشی و فعالیت انترامپین
کرد ، اصولی را که ارتش طبق آن می بایست هم در زمینه سیاسی و هم
در زمینه نظامی در پیش گیرد طراحی و تنظیم کرد . سرانجام استحکام
و پیروزی ارتش را رهنمون گردید . فقط بدین ترتیب ارتش ما می توانست
نقش و عملکرد انقلابی خود را در مراحل مختلف تاریخ انجام
دهد .

(۱)
ارتش ما پیروز گردید و تسخیرش یافت زیرا ارتش خلق است و بوسیله ای
حزب رهبری می شود

چگونه ارتش خلق توانست علیرغم مدت کوتاه تاسیس خود چنین افتخاری
در تاریخ بدست آورد ؟ چنین درخشان بجنبید و چنین قاطعانه در پیروزی
جنبش انقلابی ما شرکت داشته باشد ؟ زیرا ارتش ما ارتش خلق است
که بوسیله ای حزب رهبری می شود . این رهبری کلید موفقیتهای او محسوب می شود .

ارتش ما از درون پیکارهای انقلابی، از درون مبارزات طبقاتی بوجود آمده است. این ارتش در صفوف خود بهترین برگزیدگان طبقات انقلابی و ملیتهای گوناگون انقلابی که در سرزمین ویتنام زندگی می کنند و در راس عرصه آنها بهترین برگزیدگان طبقه کارگر ویتنام را در بر می گیرد. اینان با آگاهی واقعی بخاطر خواسته ها و منافع ملت و توده های کارگر و دهقانان مبارزه کرده اند. ارتش ما یک ارتش واقعا خلقی است؛ ارتش کارگران و دهقانان است که بوسیله حزب طبقه کارگر رهبری می شود. این ارتش، نیروی مسلح دموکراتیک خلقی است. در پیشاتوری کارگران و دهقانان - دیگران تئوری، پرولتاریا، مرکز و هسته و وحدت انقلابی در اینست، اختلاف اساسی ارتش خلقی ما با ارتش دشمن نیز در همین است، مسئله های اساسی و مرکزی و سر آغاز مراحل ساختمان سازمان ارتش ما همین است. از بدو پیدایش، غمگین طبقاتی ارتش ما بود که پایه و اساس وحدت عمیق پروسه های انقلابی حزب و خلق را بنا نهاد. وظایف انقلابی حزب و خلق و وظایف ارتش نیز هست. تبلیغ و اجرای خط مشی واضح و وظایف روشن انقلابی برای رهبری حزب در سازمان و ساختمان نیروهای مسلح مسئله های فاشیستی باقی می ماند.

در مرحله اول، خلق ما انقلاب دموکراتیک ملی را در سراسر کشور اجرا کرد. در این مرحله بود که امپریالیسم سرنگون شد. طبقه های ملاکین بزرگ از پها درآمدند؛ استقلال ملی تأمین شد. زمین به دهقانان واگذار گردید. شرایط لازم بوجود آمد تا انقلاب به مرحله سوسیالیستی گام نهد. در جریان سالهای دشوار و سخت پیکار مقاومت جویانه ای ظهور نمود. خلق ما از هدف خود که تا بر روی ارتش متجاوز امپریالیستی و از پای در آوردن اعمال خیانکار آنان بود باز نایستاد.

در سالیان اولیه پیکار مقاومت جویانه، وظایف ضد امپریالیستی کاملاً دقیق تعیین و ارزیابی نشده بود و اهمیت فتودالیسم نیز هنوز بدستی شناخته نشده بود. زیرا، در جریان جنبش و در جریان جنبش نیروی ضد احساسات ملی و ارتقاء آگاهی ملی، رشد آگاهی طبقاتی ضعیف باقی ماند. از اینرو بود که یک نوع سردرگمی پدید آمد. مرز بین ما و دشمنان طبقاتی دقیقاً تعیین نشد. به محض اینکه حزب به وظایف ضد فتودالی توجه بیشتری مبذول کرد - بیش از همه پس از آغاز جنبش توده ای - نگاهی که به دهقانان و عده ای کاهش بهره ای ما لگانه داده شد - آنگاه نه تنها توده های وسیع دهقانان در پشت جبهه های دشمن پیاپی خاستند بلکه ارتش ما نیز - که اکثریت آنرا دهقانان تشکیل می دادند و خواستار فرماری بودند - تصور روشنی از هدف مبارزه ای خود پیدا نکردند. دیگر فقط بخاطر تصفیر مجدد استقلال کشور نبود که مبارزه درگیر شده بود بلکه به دهقانان نیز زمین داده شد. این اقدام که تئیه و تاپید مبارزه ای طبقاتی بود بطور واضح به تقویت روحیه ارتش ما منجر گردید.

در مرحله اول مبارزه ای انقلابی و وظایف تمام خلق بطور واضح و آشکار عبارتست از: اتحاد مجدد کشور بخاطر انقلاب دموکراتیک ملی در سراسر کشور. ساختمان شمال کشور و پیشرفت در امر ساختمان سوسیالیسم و ایجاد ویتنامی متحد و مستقر، مستقل، دموکراتیک و شکوفان. با تکیه بر این اصول بود که حزب ما توانست وظایف اساسی ارتش خلق را

تعمین کنند: تضمین و تامین ساختن سوسیالیسم در شمال کشور، پشتیبانی از مبارزه بخاطر وحدت و سلامت جویانهی سران کشور، آمادگی برای درهم شکستن هر تاجا و زامیرالیستی - مخصوصا تاجا و زامیرالیستهای امریکائی و دست نشاندهان آنها.

وظایف عام انقلابی و سیاسی ارتش خلق ما که به او آگاهی سیاسی نوین و وگرایشی نوین سیاسی می داد به طور دقیق و جامع بیان شد: ارتقا آگاهی و شعور سوسیالیستی، ارتقا احساسات میهن دوستی در درون ارتش ما، در درون حزب ما، این امر به ارتقا بیشتر موج نوین شعور انقلابی اعزبا، حزب و گروههای رزمنده ضجر گردید. شعار ما چنین بود: با تاجا مهاجری سریع برنامه های خود را طی کنیم و بسوی ساختمان سوسیالیسم روان شویم.

هرگاه در جریان جنگ ارتش به موقعیتی رسد چسار می شد که می بایست تصمیمی اتخاذ کند جز خود او نیروی دیگری وجود نداشت که بتواند سریع تر و ظاهرا یغنی را در امر برقراری نظام اجتماعی در شمال و تضمین دفاع کشور انجام دهد. ارتش را در صیفون خود گذارها و سر بازان بر جسته و زبدهی انقلابی دارد که آگاهی کافی دارند و آزمایش شده اند. اینها سر بازان "طبقات انقلابی" هستند. با وجود این، بهیچوجه این بدان معنی نیست که ضرورت نداشته باشد ارتش ما خصلت انقلابی خود را پیش از پیش متعاضت سازد. هرگاه رهبری حزب به مسئلهی تقویت تقویت تبیین انقلابی و تحکیم خصلت طبقاتی ارتش توجه نکند شایستهی مجازات است. زیرا نقطه اشتراک ارتش و وظایف انقلابی حزب را فهم و درک کند. هنگامی که امر تحکیم رهبری بوسیلهی حزب و کار سیاسی در درون حزب و ارتش را درک شد و به منصفی ظهور رساند آنگاه می تواند وظایف خویش را انجام دهد. آنگاه شرایط لازم که برای اجرای عمل انقلابی ضرورت دارد بوجود می آید.

پس از پایان پیکار متعاضت جویانه، حزب ما یک هدف داشت: سازمان و ساختمان یک ارتش فاطح خلق که پیوسته در راه تبدیل شدن به ارتشی مدرن گام بردارد. مسئلهی اینکه چگونه باید خصلت انقلابی ارتش محفوظ بماند (علیرغم مدرن شدن) مسئله ای بود درجهی اول. زیرا فقط هنگامیکه شعور و آگاهی سوسیالیستی و احساسات میهن دوستی ارتش ما (خلق) استحکام و ارتقا یابد می توان به ارتش مدرن آماده به خدمت تبدیل گردید. مادام که چنین تبدیلی بطول می انجامد و نیز مدتی پس از آن ارتش پیوسته ارتش خلق باقی می ماند. از اینرو با چنین دیدی ارتش خلق باید به یک ارتش مدرن انقلابی تبدیل شود. مسئلهی مرکزی امر در رهبری بوسیلهی حزب است. زیرا این امر شرایطی برای ارتش بوجود می آورد که به وی اجازه می دهد خصلت انقلابی خود را حفظ کند و وظایف انقلابی خویش را انجام دهد. حزب ارتش را رهبری می کند. ارتش باید بوسیلهی حزب، مشی سیاسی را درک کند. هنگامی و سیاست حزب باید چنان در ارتش تاثیر کند که ارتش بجا بهی ابزار و کار حزب و وظایف انقلابی خود را انجام دهد. آید تلوژی رهبری حزب باید بر ارتش حاکم باشد. و تأییدی حزب است که ارتش را به آید تلوژی طبقه ای کسارگر، به مارکسیسم - لنینیسم مسلح سازد. سخن بر سر اینست که تئوری مارکسیسم -

لنینیسم، ارتش ما را در کلیه عملیات و اقداماتش رهبری کند و تنها ایدئولوژی رهبری گنجد و خط مشی ارتش باشد. حزب و رهبری حزب نیز با یکدیگر پیوسته از نظر سازمانی در این جریان قرار گیرد. سخن بر سر اینست که خصیلت طبقاتی حزب در ساختن و سازمان حزب و در گروه گادره های حزب تجلی یابد. فقط بدین ترتیب ارتش خلق می تواند خصیلت اصیل خلق خود را پیوسته حفظ کند، با آمادگی دائمی و نظایف را نقلا بی خویش را انجام دهد. فقط بدین ترتیب ارتش خلق می تواند گسترش یابد و پیروزی های نوینی بدست آورد.

(۲) حزب ما اصول اساسی ساختن و سازمان ارتش را بدین شناخت و تعیین کرد

اولین اصل اساسی در امر ساختن و سازمان ارتش ما در این ضرورت بود که ارتش ما خود را تحت فرماندهی حزب قرار داد و بطور پیگیر تحت تأثیر حزب قرار داشت. حزب ارتش را تا سپس و متشکل ساخت و به ایدئولوژی مسلح ساخت. فقط بر اساس رهبری بی تردید و بی قید و شرط حزب است که ارتش موفق شد به خط مشی سیاسی خود و به هدف های سیاسی خویش وفادار بماند. برای اینکه رهبری حزب جریان عملی یابد و تقویت گردد با یکدیگر به فعالیت و کار سیاسی رهبری توجه زیادی مبذول گردد. بهیچوجه نباید از سیستم کمیته های حزبی و گادره های سیاسی در درون ارتش صرف نظر کرد. تنها در این صورت است که حزب می تواند سازمانهای متین خود را به بخشهای زبدهی ارتش مبدل کند. هنگامی که سازمانهای زبدهی حزب بخش های ارتش را تشکیل داد آنگاه حزب موفق تواند شد که خط مشی و سیاست خود را نیز اجرا کند، هماهنگی دائمی بین ارگانهای مسئول اجرایی و رهبری در چهارچوب کمیته های حزبی باید مطابق با اصول رهبری جمعی و مسئولیت فردی پیشرفت کند.

از آنجا که کار سیاسی در ارتش و در میان توده ها موثر است بنا بر این کار سیاسی روح ارتش و زندگی اوست. کار سیاسی در ساختمان حزب حقیقتاً تقدم دارد. کار سیاسی راهنمای امور آموزشی و کارورزی در ارتش است و طبق خط مشی و وظایف سیاسی و نظامی حزب انجام می گیرد. کار سیاسی تضمین کننده مناسبات حسنه بین گادره ها و گروه های جنگی، بین ارتش و خلق، بین ارتش و دولت، بین ارتش ما و ارتش های کشورهای برادر است. فقط با کار سیاسی است که ارتش آن نیروی ضربتی جنگی را می یابد که می تواند بر دشمن - هر که باشد - پیروز شود.

از بدو تا سپس ارتش ما، در درون واحدها و قسمت های جدید التاسیس، گروه های کوچک و سلولهای حزبی نیز پدید آمد. سابقاً نیز هر واحد و هر رتبه و هر لشکر دارای کمیته های سیاسی بود. از همان آغاز پیدایش ارتش، سیستم کمیته های حزب در ارتش که رهبری حزب را عملی می کرد و ارگان های مسئول اجرایی بودند تشکیل یافت. در آن موقع کار سیاسی هنوز مراحل ابتدائی خود را طی می کرد. گادره ها کتابهای جیبی از قبیل: راهنمای کمیته سیاسی و "کار سیاسی در درون ارتش" را با خود حمل می کردند. پس از انقلاب اوت، سنت سیستم رهبری بوسیله حزب و کار سیاسی

بطور کلی برجای نماند. با این وجود، در سالهای اولیه گرایش پدید آمد که به نقش کار سیاسی کم‌بها می‌دارد. حتی هنوز هم در آن موقع کار سیاسی هدف اصلی خود را که آموزش سیاسی و رهبری ایدئولوژیک بود تعقیب نمی‌کرد. از این گذشته کار تبلیغاتی حزب در درون ارتش که هماهنگی کافی با هم نداشتند بسیار نازل بود. ولی پس از دومین کنگره ملی، حزب با مسئله رهبری در درون ارتش و در سایر عرصه‌ها را تقویت کرد. با اقدامات وسیعی که بمنظور رهبری سیاسی در داخل ارتش و در داخل حزب در مورد جنگ و پیکار مقاومت جویانه‌ی طولانی، در مورد ضرورت امرهای بنفشییدن با نیروی خود، در مورد بسیج توده‌ها برای گام‌های بهر هی مالکانه و فرم‌ارزی انجام گرفت سبب گردید که محتوی کار سیاسی در درون ارتش همه چنانچه تر و بیشتر شود. مقام ارتش و موافقت آن با لا گرفت و عرصه‌ی تاثیر آن چند برابر شده و سمت گرفت. علاوه بر اینها، سیستم رهبری بوسیله‌ی حزب نیز استحکام بیشتری یافت. کار سیاسی سبب شد که سطح ایدئولوژی قاطعانه ارتقا یابد. بر تقویت و استحکام خصیلت‌لیقاتی گادرها و گروههای رزمده‌ی ارتش بیفزاید. در واقع کار سیاسی در نیروی شیرینی واحد‌ها کوه در جریان لشکرکشی‌های بزرگ و در گسترش جنگهای پارتیزانی تجلی یافت اثر خود را گذاشت. در اثر کار سیاسی عطیات جنگی در کلیه جبهه‌ها گسترش یافت.

پس از پایان پیکار مقاومت جویانه در مرحله‌ی نوین انقلاب، ما در موقعیتی بودیم که امور سازمانی و تقویت سلول‌های حزب را بطور اطمینان بخشی اجرا کنیم. در کنگره‌های گوناگون و مقصدی حزب اصول و موکراتی درون حزب و رهبری دستجمعی به سران حزب انتقال یافت. در این کنگره‌ها بود که نقش سلولهای حزبی بطور مشخص تعیین و برجسته شد.

همانطور که بیان شد، اقدامات مختلف آموزشی در باره‌ی موضوعات مختلف از قبیل: "تمایز بین نادرست و درست"، "تقویت و استحکام وحدت و اراده‌ی جنگی"، "بالا بردن آگاهی سیاسی"، "ارتقاء آگاهی سوسیالیستی"، تقایح درختان و مهی دار، همچنین اقدامات دیگر آموزشی و پرورش سیاسی که در سالیان اخیر بمنظور تصمیم و گسترش تصمیمات کمیته‌ی مرکزی در باره‌ی وظایف انقلاب، در باره‌ی خط‌مشی جنگ خلق و ارتش خلق و سایر موارد انجام گرفت به تشدید جبهه‌ی انقلابی ارتش کمک کرد. توجه ما از این پس کاملاً معطوف به آموزش تئوری ماركسیسم - لنینیسم شد؛ زیرا در مراحل اولیه‌ی انقلاب و در آغاز مرحله‌ی نوین انقلاب در مورد لزوم تبدیل ارتش ما به ارتش مدرن آماده به خدمت گرایش‌های گوناگون به شکل افعال در کار سیاسی بروز کرد. و در مورد ضرورت تقویت مسئله‌ی مرکزیت و استحکام وحدت نیز گرایش‌های بروز کرد که به نقش سلولهای حزبی در درون ارتش، به نقش رهبری دستجمعی کمیته‌های حزب کم‌بها داده می‌شد. در سابق امور رهبری کاملاً از اصول مرکزیت و وحدت کامل بدور بود. هنگامی این مسئله مطرح شد که بحث بر سر این بود چگونه باید پایه‌های مادی و فنی ارتش تقویت یا بدو به سطح برتری ارتقا یابد. در این هنگام تعالیات و گرایش‌های

پدیدار شد که نقش سیاست ما در و ن قرار می گرفت و سیاست از تکنیک جدا می شد. چون سطح فنی ارتش ما پائین بود و می بایست حتماً بالا رود نظریات بورژوازی ارتش را گردید تا ارتش و تکنیکی غیرسیاسی بوجود آید. در جریان آخرین اقدامات آموزشی تمام این کجروی ها اصلاح گردید. از این پس وظیفه‌ی ما این بود که امر سیاسی کردن و تقویت آید تئولوژی و ارتقاء آگاهی سوسیالیستی و میهن دوستی پیش از پیش تشدید یا بد و به ارتش منتقل گردد، علیه زشتی آید تئولوژی های بورژوازی و دیگر آید تئولوژی های غیر پرولتاریائی سرسختانه مبارزه کرد تا گرایشات فرد پرستی و لیبرالیستی در سطح نازل باقی بماند. فقط بدین ترتیب می توانستیم موضع خود را نگهداریم و وحدت و روحیه‌ی جنگی ارتش خود را پیوسته بالا تر ببریم.

چون ارتش ما از افرادی ترکیب یافته که کاملاً آزادانه برای انقلاب خلق مصمم شده اند. بنابراین تمام کارها و سرbazان ما در هر فهای مبارزه‌ی خود و در چهار چوب خواسته های طبقاتی با هم متحد شده اند. ما باید بکشیم که این وحدت و همبستگی در و ن ارتش نیز تقویت و تثبیت یا بد. مناسبات بین کارها و سرbazان، بین بالا و پائین، بین بخشهای مختلف ارتش، همانند مناسبات همبستگی بین رفقا است. چنین مناسباتی از آغاز پیدایش ارتش ما برپایه‌ی تساوی سیاسی و برادری طبقاتی قرار داشته اند. سالیان دراز جنگ، با تمام خطرات و قربانی ها پیش، کارهای ما و رزمندگان ما را بصورت مجتمع جنگی گرد هم جمع آوری کرده است. آنها در کامیابی و ناکامی در فقر و غنا مشترکند و در مرگ و زندگی بهم وابسته و پیوسته اند. در مجامع و رت تقویت و ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی، اتحاد بین کارها و رزمندگان روز به روز محکمتر شده است. اتحادی که تمام اعضا ارتش را همچون یک دستخوش ساخته است و استحکامش چنانست که هیچ چیز نمی تواند آنرا تا قطع نماید.

درگذشته مسئله‌ی وحدت درونی - که در این میان به سنت نیکوئی در و ن ارتش ما تبدیل شده است - مشکلی نمی پدید آورده بود زیرا در آن هنگام ارتش ما در حالی پیدایش بود و واحد های پراکنده‌ی آن به این امر توجهی کافی نداشتند. بتدریج تقویت و استحکام امر رهبری و اداره‌ی ارتش مطابق با اصول لازم برای یک ارتش آماده به خدمت ضرورت یافت. ولی در جریان تصمیمات گوناگونی که بدین منظور اتخاذ گردید و تحقق بخشیدن به تصمیمات مزبور برای حمل برخی از مشکلات علاوه بر پیشنهادات ما قلابه پیشنهاد های غیر واقع بینانه و بفرنجی نیز داده می شد که بین کارها و رزمندگان، بین بالا و پائین افتراق پدید می آورد و همین افتراق به مناسبات برادرانه بین صفوف ارتش ما آسیب می رسانید. این گرایشات و نظرات نادرست که همراه کننده بودند در سر موقع اصلاح شدند.

چون ارتش ما یک ارتش خلقی انقلابی است که تحت رهبری حزب می رزمند. بنابراین خواسته های ما کاملاً با خواسته های خلق ما هماهنگ است. با این وجود، ما باید در وقت کنیم که وحدانیت و اتحاد حقیقی بین ارتش و خلق را مستحکم سازیم. در و ن ارتش و در و ن خلقی یک غلب می طپد. ارتش در و ن خلق همچون ماهی در آب بسری بزد و شنا و رست. ارتش ما فقط و فقط به خواسته های خلق - توده های کارگر و دهقان - خدمت می کند. این پیمان

که بین خلق و ارتش از زمان تاسیسش بسته شده است در بند زنجیر
 سوکنند به شرافت و در دوازده توصیه‌ی دیسپلین ارتش ما آشکارا
 تجلی می‌یابد و تنظیم کننده‌ی مناسبات ارتش ما با اهالی کشور است .
 در جریان پیکار مقاومت جویانه‌ی طولانی ارتش ما با تمام نیرویش جنگید تا
 استقلال ملی را بدست آورد و کشور را نجات دهد ، از زندگی و اموال خلیق
 دفاع کند ، ارتش ما بهیچوجه فروگزاری نکرد که آنچه از دستش بر می‌آید
 انجم دهد و در موقعیتی دوش به دوش خلیق قرار گیرد ، ارتش و خلیق
 در جریان پیکار مقاومت جویانه‌ی طولانی با دادن هزاران قربانی پیوسته دوش
 به دوش هم جنگیدند تا دشمنان ملت را درهم شکنند و از استقلال کشور دفاع
 کنند . آنها در جریان رفرم ارضی با تمام نیروی خود مبارزه کردند تا طبقه‌ی
 ملاکین بزرگی را متواری سازند و زمینهای وسیع آنها را به نفع دهقانان فقیر
 از چنگشان خارج کنند . فقط بدین ترتیب همبستگی امپیل بین ارتش و خلیق
 می‌توانست بوجود آید و استحکام یابد . ارتش ما از اعتماد ، عشق و کمک
 و پشتیبانی خلیق برخوردار گردید ، بوسیله‌ی خلیق تفذیبه شد ، درست
 مانند کودکی که بوسیله‌ی پدر و مادرش تغذیه و پرستاری می‌شود . پس از جنگ
 نیز این سنت نیکو یعنی تفاهم و همبستگی متقابل بین ارتش و خلیق تقویت یافت ،
 پس از اینکه سالیان دراز پیکارهای بیخوش علیه استعمارگران متجاوز و غارتگر
 اینک ارتش ما ست که شب و روز نگهبانی می‌کند و اسلحه‌اش را برای
 آرامش و آسودگی و رفاه خلیق حاضر و آماده در دست دارد و مناسباتش را
 پیوسته با اهالی کشور برقرار نگه داشته است . ارتش کار تبلیغاتی و تربیتی
 خود را در درون اهالی کشور تشدید کرده است و چراغ خلیق به کمک وی
 نیاز داشت از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده است و پیوسته آماده خدمت بوده .
 ارتش درست مانند سایر فعالان در رفرم ارضی علیه ملاکین بزرگ و در
 ساختمان مزارع اشتراکی و آباد کردن روستا شرکت جست . در مبارزه علیه
 گرسنگی و خشکسالی و طوفانهای مخرب ، در تاسیس ساختمان‌ها و کار
 خانه‌های ارتشی بمثابه‌ی خدمتگذار خلیق با وفاداری کامل همانطور
 که پرزیدنت هسوچی میهن به وی توصیه کرد . گام نهاد . در
 سالیان اخیر پس از یک فرمان جزیبی صد هزار کادرو گروههای
 جنگی یا شور و اشتیاقی تمام برای آبادانی کشور ، برای کشتکار در مزارع
 نظامی و در مناطق عقب افتاده و نیز در مناطق مرزی دست بکار شدند
 تا جنبش نوینی به ساختمان سوسیالیستی کشور بدهند . ارتش ما از خلیق
 زحمتش بوجود آمده است . از اینرو نباید در مناسبات متقابل از پیامی
 طبقاتی خود دور و جدا شود و در امر همبستگی با توده‌های کارگر و دهقان
 فروگزاری نماید . ارتش بمثابه‌ی بخشی از طبقه‌ی کارگر باید تلقی شود و همین
 امر است که اهمیت سیاسی مناسبات نیکو و حسنه بین ارتش و خلیق ، بین
 ارتش و توده‌های دهقانان را ارتقاء می‌دهد . این واقعیتها می‌توانند
 عملکرد و تاثرات سیاسی کادرها و گروههای رزمندگی ما را نشان دهد و
 ثابت کند که ارتش خلیق ویتنام نه تنها ارتش جنگی است بلکه ارتش کارگری
 نیز هست . در شمال ویتنام ارتش نه تنها به مثابه‌ی مدافع رژیم سوسیالیستی
 گام می‌نهد بلکه در ساختمان این بخش سوسیالیستی کشور نیز شرکت دارد .
 این سنت پرافتخار را باید حفظ شود و تقویت یابد . حزب ما فروگزاری
 نکرد که از همبستگی ارتش ما و خلیق ما با ارتشها و خلیقهای برادر ، از
 همبستگی بین ارتش ما و خلیقها با سایر خلیقهای جهان که خواهان صلحند
 یا انرژی تمام پشتیبانی کنند . حزب ما نه تنها به ارتش ما میهن دوستواقعی

آموخت بلکه انترنا سیونالیسم پرولتری را نیز بوی آموخت . خود اولین واحدی که نطفه‌ی نیروهای مسلح ما را تشکیل می دادند یا شمار رهسازانی صلی و دفاع از سوسیالیسم اتحاد جماهیر شوروی آشنا بودند . بزرگترین افتخار نصیب واحد‌های داوطلب ویتنامی شد که به امر انترنا سیونالیسم کمک کردند . آنها خطرات و دشواری‌ها را هیچ شمرند و دوش به دوش سا پر خلقهای برادر علیه استعمارگران متجاوز فرانسوی در لائوس و سراسر هند و چین جنگیدند ، بسیاری از آنان که زندگی خود را بخاطر استقلال و صلح خلقهای هند و چین و تحکیم مناسبات دوستی با آنها از دست دادند رفقای ما بودند .

ارتش ما اکیداً توجه داشت که در مناسبات برادرانه اش با خلقها و ارتشهای کشورهای برادر در مبارزه‌ی مشترک بخاطر صلح و سوسیالیسم علیه جنگ افریوزان امپریالیست که دشمن مشترک بودند از هیچ کوششی فروگزاری نکند . برای گذارها و سربازان ما اهمیت داشت که تجربیات ارتشهای برادرمانند ، تجربیات ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی و ارتش رهاشیکس خلق چین را فراگیرند . بی تردید موفقیت‌های ارتش ما در برابر آنان خود ساختن تشواریهای نظامی مارکسیسم - لنینیسم نهفته است . این تشواریها بر اساس انطباق انعطاف پذیر تجربیات نظامی کشورهای پیشاهنگ برادر ما در مورد ساختمان و سازمان نیروهای مسلح و شیوه های جنگی آنان بر شرایط مشخص کشور ما قرار دارد .

ارتش ما در راه ایجاد همبستگی بین خلق ما و خلق فرانسه ، بین خلق ما و خلقهای مستعمرات فرانسه گام نهاد . تنها بدینوسیله بود که ارتش ما اختلاف موجود بین تجار و زگران استعماری فرانسه را با فرزندان خلق کارگر فرانسه و با فرزندان کشورهای مستعمره‌ی دیگر که برخلاف اراده شان ، در اثر تبلیغات و فشار ، سربازان مزدور شده بودند در رک و فهم کرد . باتصایر و نرالهای استعماری از مردان عادی در درون واحد های دشمن افسران و درجه داران ما دون توانستند بین جنگو عا دلانه‌ی خلق ما و جنگو عا دلانه‌ی دشمن اختلاف و تصایر قابل شوند و ما اهمیت آنرا درک کنند . ارتش ما اصولی را بکار برد تا صفوف دشمن را از هم ضلالتی کند . حزب ما به این اهمیت پی برد که در اردوگاه دشمن تبلیغات کند و برای سربازان دشمن آشکار سازد که آنها بخاطر خواسته های خود نمی رزمند بلکه گوشت دم تسوی استعمارگران شده اند . حزب ما پیوسته سربازان دشمن را در جریان سیاست ما نسبت به اسرای جنگی و نسبت به سربازانی که از صف دشمن فرار می کردند گذاشت . بدین وسیله سربازان و فراریان فرا خوانده شدند که به صفوف ما روی آورند و تفنگهای خود را علیه دشمن واقعی بکار برند .

در جریان بیکارمقاومت جمویانه‌ی طولانی ما ، ارتش ما و خلق ما تبلیغات آرزنده‌ای برای ویتنامی ها می که در خدمت ارتش فرانسه بودند انجام داد . با اسرای جنگی و فراریان دشمن در دست طبق مقررات و طبق دستورات صادر شده رفتار کردند . در اثر همبستگی و تلفیق عملیات نظامی و عملیات و اکمیونتهای سیاسی ده ها هزار نظامی وادار شدند که صفوف دشمن را ترک کنند . فراریان پریشانی و سردرگمی

در صفوف دشمن بوجود آورد . این امر در موفقیت نظامی ما تاثیر فاطمی داشت .
 در جریان ساختن و سازمان ارتش ما ، حزب ما نسبت به اصل سازمانی مرکزیت
 دموکراتیک (سائیرالیم دموکراتی) وفا ناریا قی ماند . بدین ترتیب حزب ما
 بر آن شد که برای ارتش یک دموکراتی درونی فعال و موثر را با نظام
 و دیسیپلین دقیق و سخت ولی آزادانه تأمین و تضمین کند . ارتش ما
 برخلاف ارتشهای مختلف الشکل استعماری - از بدو پیدا پیشش اصل
 رهبری دموکراتیک را در داخل خود عطفی ساخت . این امر فقط از اینرو ممکن شد
 که مناسبات بین کادرها و سربازان ، بین ارتش و خلیق کاملاً موزون و -
 هماهنگ بود . انواع فعالیتها و وظایف انقلابی که در ارتش ما وجود
 داشت اختلاف و تمایز بین افراد و در نتیجه درجات گوناگون بین افراد ما -
 فوق و مادون را ایجاد می کرد . با وجود این ، این درجات هرگز نتوانست
 از مناسبات رفیقانه بین افرادی که بر اساس تساوی حقوق سیاسی
 متشکل شده بودند بکاهد . ضرورت و امکان دموکراتی در درون ارتش
 و پراتیک آن با اجرای دستورات حزب بوسیلهی توده ها همراه بود . در
 جریان جنگ و پیکار مقاومت جویانهی طولانی سیستم "سه دموکراتی بزرگ"
 تاسیج خوبی داد .

- دموکراتی سیاسی : بر طبق آن در واحدها بطور منظم کفرانس
 های دموکراتیک و جلسات نظامی تشکیل می گردید تا موقعیت مناسبی
 برای سربازان و کادرها پیدا آید که نظرات خود شان را دربارهی
 کلیهی مسائل جنگ ، دربارهی امور آموزشی و تربیتی همچنین دربارهی
 امور تحصیلی و زندگی ابراز دارند . در ارتش ما کادرها حق دارند
 از سربازان انتقاد کنند و برعکس سربازان نیز حق دارند از کادرها انتقاد کنند .

- دموکراتی نظامی : در جریان جنگ و در جریان تربیت و تعلیمات
 نظامی ، هرگاه شرایط اجازه دهد کفرانسهای دموکراتیک تشکیل می شود .
 نقشی عملیات نظامی طرح و اعلام می شود . بدست گرفتن ابتکار عمل تدارک
 می یابد . وسایل لازم برای انجام مأموریت و عملیات نظامی جستجو و بررسی می
 شود . مشکلات موجود بر طرف می شود . بدین ترتیب وظایف تعیین شده می
 توانند با سرانجام نیکی پیروزندانه پایان گیرند .

- دموکراتی اقتصادی : سربازان و کادرها باور مساوی و بیک اندازه
 حق دارند در امر رهبری یا دادن رای خود شرکت کنند . در بهبودی پایه
 های مادی در چارچوب سیستم اقتصادی عطفی " موثر واقع شوند . در سایه
 پراتیک یک دموکراتی وسیع و همه جیا نبسه موفق شدیم
 دینامیک ، انرژی ، قابلیت انعطاف کادرها و گروههای جنگی
 را ارتقا دهیم . و نیروی فکری آنان را برای حل مسائل بغرنج برانگیزیم
 و پیشرفت دهیم . روحیهی همبستگی متقابل و روحیهی رزمندگی قوای خود
 را نیرومندتر سازیم .

ارتش ما فقط بر اساس پراتیک دموکراتی توانست بطور کلی اصول
 دقیق و دیسیپلین محکمی را آزادانه خود تعیین نماید . دیسیپلین ما
 که آزادانه پذیرفته شده بر شعور و آگاهی سیاسی کادرها و سربازان ما استوار
 است و به شیوه ای آموزنده با روشنگری دائمی و پیشرونده آموخته می شود .
 هر یک از افراد ارتش ما به این اصل مهم احترام می گذارد که خود ش با پیروی از اصول

و اطاعت کردن مقررات سعی کند بدینسان کمک کند. دیمیپلین در قیض از تمام افراد ارتش - کادرها و سربازان، با لایحه‌ها و پانسیه‌ها - بدون استثناء طلب می‌کند که بی تردید مقررات و دستورات، فرامین و احکام را رعایت کنند.

ارتش ما از همان ابتدای تشکیل خود برای دیمیپلین ارزشی داشته‌ای قائل شد. حزب ما همه را متوجه این مطلب ساخت که بعد از دیمیپلین نیروی جنسیکی یک ارتش برابر است با همسر ارتش ما یک سازمان مسلح است و عملیاتش جنگ نامیده می‌شود. برای اینکه وحدت اراده و عمل اصولاً تضمین یابد (که بخود برای حفظ قوای خویش و نابودی قوای دشمن بی تردید ضرورت دارد) باید اصل سازمان را لیسیم (مرکزیت) به عالی‌ترین درجه برسد و تا مگر استخوان رسوخ یابد. با یکسب به دیمیپلین در قیض تکیه کرد. بنا بر این اصل پیروی از فرامین و رعایت مقررات کادرها و افسران در دشمن بند سوگند به شرافت در ارتش ما تثبیت گردید. فقط با تکیه بر این اصل بود که در سخت‌ترین شرایط نیز دستورات و مقررات حزب اطاعت شد. کلیه فرمانهای جنگی بطور دقیق اجرا گردید و از تمام تصمیمات به‌طور جماعتی با توده‌های خلق در قیض پیروی شد.

اینکه که نیروهای مسلح ما به ارتش مدرن آماده به خدمت تبدیل می‌شود باید دیمیپلین و مرکزیت بی تردید ترازا بقا اجرا و رعایت شود. امروزه امر تحقق پیوستن دموکراتی درونی و ارتقاء دیمیپلین که آزادانه انتخاب شده و وارد پرونده‌ای بحرانی شده است. دوگرایش متعارض در برابر یکدیگر قرار دارد: گرایش اول بطوریکه دیمیپلین را بر دموکراتی ترجیح می‌دهد. این گرایش در سبب مانند مرحله‌ی ابتدائی ارتش که برضی از کادرها تحت تاثیر میلیتاریسم (نظامی‌گری) مکتب تقدیم بودند طرفدار اینست که ارتش باید بی چون و چنان تا به فرامین و احکام باشد. در مرحله‌ی نوین سازمانی ارتش ما بهنگامی که مسئله‌ی سازماندهی ارتش مدرن آماده به خدمت مطرح است و مقررات و اصول نوینی باید تصویب شود در واحدهای مختلفی این گرایش بروز کرده است که مرکزیت و سرعت در کار به خرج کاهش دموکراتی و پانسیه‌ای تشدید یابد. از اهمیت کار روشنگری و آموزشی به سود دستورات اجباری و تبعیدی و بوروکراتیسم گاسته شود. گرایش دوم برعکس گرایش اول، ارتقاء دیمیپلین را به اندازه‌ی کافی مورد توجه قرار نمی‌دهد. در جریان مبارزه‌ی مقاومت جویانه کسب جنگهای پارتیزانی درگیر بود. موقعیت سخت جنگ پارتیزانی بهانه قرار می‌گرفت و - از گزارش‌های چشم‌پوشی می‌شد. در مورد دستورات و فرامین کسب تکلیفاتی شد و امرها جنگی عملیات ایرانی سرسری گرفته می‌شد، اجرای دقیق فرامین جنگی مورد توجه قرار نمی‌گرفت، در مناطق جنگی مقررات رعایت نمی‌شد، در امر تماس بها توده‌ها سهل‌انگاری می‌شد. در مرحله‌ی نوین این گرایشات در ارتش ما بروز می‌کند که به امر مرکزیت و اطاعت از ما فوق کم بها می‌دهد. این گرایشات انحلال طلبانه و انارشیکری است مانع تبدیل ارتش ما به یک ارتش مدرن و منظم است.

این دو نوع گرایش تا درست هر دو به یک اندازه بیان کننده‌ی ایدئولوژی و فیر پرولتری است. در حالیکه ایدئولوژی بورژوازی تباه کننده‌ی سازمان دقیق و مضبوط است گرایش دوم که از ایدئولوژی خرده بورژوازی نشاء گرفته است روحیه‌ی دنا تیگری و انشعاب و پراکندگی را تقویت می‌کند. گرایش به پراکندگی و انشعاب در میان دهقانان و خرده بورژوازی ظاهر می‌گردد. درست همان قشری

که اکثر کادرها و سربازان ارتش ما از آن بوجود آمده اند. از اینرو مشکل اساسی برای پارتیک صحیح دموکراتی در سازمان نظامی ما عبارتست از - تقویت دیسیپلین که آزادانه انتخاب شده باشد، تعلیم و تربیت واقعی ارتش با آید ثلوی، پرولتری. بدین ترتیب می توانیم تا ثمرات هرگونه آید ثلوی غیر راپر ولتری را که هنوز هم حاکم است بخش کنیم. دموکراتی و دیسیپلین در ارتش ما تجلی سانترالیسم دموکراتیک (مرکزیت دموکراتیک) است و در حزب ما نیز اجرا می شود. بنا بر این باید برای تحقق بخشیدن به آزادی دموکراتی دیسیپلین را ارتقا داد، مرکزیت را مستحکم ساخت و کار و فعالیت حزبی را در درون ارتش افزایش داد. دموکراتی درونی سازمان برای حزبی و ارتش و دیسیپلین دقیق اعضا، اساس رهبری را در ارتش نیز تشکیل می دهد. اصول اساسی که را «نمای ساختمان و سازمان ارتش ما هستند چیستند؟ استخدام رهبری و حداکثریت حزب در درون ارتش، پیشبرد کار سیاسی در ارتش تا آنجا که بصورت زندگی ارتش درآید. باید کادرها و سربازان با آید ثلوی پرولتری تربیت و بدان مسلح شوند. باید اصل همبستگی در ارتش، در خلق و در عرضه بین الطلی اجرا گردد. باید در صفوف دشمن پخته ایجا کرد. و بالاخره باید دموکراتی درونی را با دیسیپلین دقیق که آزادانه انتخاب شده باشد تلفیق کرد. تنها این اصول هستند که می توانند خصلت خلقی ارتش ما را تضمین کنند بطوریکه لا ینقطع زاید یا بند و ما را از این پیروزی به پیروزی های نوینی رهنمون شوند.

(۳)

حزب خط مشی ما می برای ساختمان سیاسی ارتش را انتشار داد. حزب مسائل موجود ما نند. مسئله های سازمانی، تسلیحات، مهمات و تدارکات، تعلیمات و مقررات را حل کرد. سپس در انطباق با اوضاع مشخص و بیتنام با به های اساسی تبدیل ارتش از واحد های منحصرأ پارتیزانی به ارتش منظم مدرن را بوجود آورد.

برخی از ارتشهای متعدد دیگر، ارتش خلق ما در پیروسی انقلابی خلق کشوری که در وابستگی استعماری و نیمه فئودالی قرار داشت از واحد های پارتیزانی بوجود آمد. این ارتش با دست خالی علیه امپریالیسم و گروه سنتی دست نشانده اش پیا خاست. ارتش ما در جریان نبرد مسلحانه ای بسیار طولانی و فوز، العاده دشوار و سختی رشد یافت، بر دشمن تلفات سختی وارد آورد و نیکی از کشور را آزاد کرد. از دستجات کوچک پارتیزانی اولیه ام روز به یک ارتش خلقی بزرگی مبدل شده است و در راه ایجاد ارتش مدرن آماده به خدمت، که با شرایط کشور نیمه آزاد شده ای که در نیمه ای از اش به ساختمان سوسیالیسم پرداخته انطباق دارد، گام نهاده.

ساختمان و سازمان ارتش ما با مشکلات عظیمی که نتیجه ی اختصاص عقب افتاده و جنگهای لا ینقطع نیروهای ما بود روبرو گردید. مع هذا، حزب ما موافق شد بر اساس خصلت طبقه اتی خود و پارتیک ما رکسیسم - لیننیسم یکسری از مشکلات ساختمان و سازمان نظامی ارتش را بر طرف و حل کند. علاوه بر آن توانست تجربیاتی نیز بدست آورد. مشکل مرکزی ارتش ما مسئله های سازمانی بود. عملکرد ارتش ما تا بود کردن کامل دشمن بود. بنا بر این مسائل سازمانی و ساختمانی ارتش

در انطباق و متناسب با این عمل درش می باشد و با سخنگوی آنست. بنا بر این
خط مشی استراتژی و اپراتیو ارتش بطور اصلگانه پذیر باید با هر يك از مراحل
نویین جنگ انطباقی یابد. از این گذشته نیروی تدارکات که در چارچوب
وحدت ملی، گلیه، امکانات امور تسلیحاتی و تدارکاتی ارتش ما و گسترش پایگاه
های عملیات بر سرآسرها طری جنگی در استراتژی بحساب آید.

در جریان پیگار عت و متاجو بانهی طولانی، شفقندان اسلحه و مهمات مشكل
عظیم مادی ارتش ما محسوب می شد و سازمان ارتش ما کاملاً نا همگون بود
و در هر منداسته شكلی خاصی داشت. بتدریج با به پای گسترش جنگ پارتیزانی
و گذار و تبدیل آن به جنگ تحرکی و هممنان با بهبودی امور تسلیحاتی
و تدارکاتی همگون شد. واحد های کوچک قدم به قدم به دستجات بزرگتر
تا هنگ ها و دیویزیون نسترش یافتند و امور سازمانی ارتش در واحدهای
ارتش منظم ما بتدریج یگوانخت و همگون گردید.

بزودی فرماسیون های دیگری به هنگها و دیویزیونهائی که در آغاز کار شامل
واحدهای پیاده بودند. اضافه گردید. واحد های ذخیره، واحد
های مهندسی، واحد های توپخانهی سبک.....

برای اینکه گذار و تبدیل جنگ پارتیزانی به جنگ تحرکی ممکن شود
در مورد بهبودی امور سازمانی ارتش تبلیغ شد. ارگانهای فرما تسدهی
به عد اقل محدود شدند. در عوض واحدهای جنگی تقویت یافتند.
انطباق با شرایط رهبری مدرن جنگ و تقویت و بهبودی امور تسلیحاتی
و تدارکاتی در این مرحلهی ابتدائی برای سازمان و ساختمان ارتش ضرورت
داشت. سازمان ارتش می با یست با توان ارتش برای عملیات بزرگتر و بیشتر
انطباق داشته باشد. در عین حال لازم بود نیروهای مسلحی که تاکنون
از پیاده نظام تشکیل می شدند به انواع سلاحهای مدرن مجهز شوند.

این ضرورت پدید آمد که پایه پای تکمیل قوای پیاده نظام هر چه بیشتر
در بارهی تقویت سلاحهای مدرن قضی تبلیغ شود. در بخشهای مختلف ارتش ما
می با یست ارگانهای فرماندهی تقویت یافتند تا در عملیاتی که می با یست هماهنگ
با هم انجام گیرند عدد اکثر کارائی به منصفی ظهور رسد. البته نباید
امر مدرن کردن امور سازمانی و ساختمان ارتش جدا از تجربیاتی
مورد بررسی قرار گیرد که این تجربیات خود در پیرائیک تعلیمات جنگی
و مانورها بدست می آیند. تازه در این موقعیت است که اساس سازمان
و ساختمان ارتش با اوضاع و موقعیت موجود انطباق بیشتری می یابد.

ارتش ما يك ارتش انتقالیست. این ارتش تحت فرمان حزب قرار دارد. سازمان
و ساختمان آن نیز اصولاً بوسیلهی سازمانهای حزبی و رهبری حزب در درون
ارتش اداره و هدایت می شود. از اینرو بنظر ما لازم است در کنار
فرماندهان نظامی، کمیته های سیاسی منسوب شوند که این دو همستراز
با هم عضو واحد و یگانه باشند و رهبری کنند. این دو با هم
سر کرده و سر فرمانده می باشند. پایه پای تجدید سازمان و ساختمان ارتش
و مدرن کردن امر فرماندهی، لازم است دایرهی تدارکات و مهمات نیز متناسب با
سازمان و ساختمان ارتش مدرن شود. دفتر سیاسی در شریك از بخشهای مزبور
برای ارتقاء استعداد و توان بیشتر افراد و واحدها تاسیس گردد تا بدینوسیله
اجرای بلا مانع کار حزبی و سیاسی تضمین گردد.

امور سازمانی و سازمانی یک ارتش یعنی: حل مسئله تسلیحات ارتش، تسلیحات پایه‌ی مادی نیروی جنتی ارتش را تشکیل می‌دهد. بدون اسلحه نه از سازماندهی یک واحد جنگی می‌توان سخن گفت و نه اصولاً از قیام مسلحانه. از همان مرحله ابتدائی مبارزه مسئله تسلیحات ارتش با مشکلات فراوانی برایها بوجود آورد. کشور ما رشد نیافته بود. اصولاً پایه و زمینهای برای صنایع و کارخانجات نداشت. مثلاً برای اینکه پشت جبهه‌ی ما به مناظر، کوهستانی و داخل کشور محدود و متمرکز می‌شد. در آن هنگام حزب د ستور دانکه تسلیحات خود را در جبهه‌ی جنگ جستجو کنیم. یعنی بی درنگ اسلحه دشمن را از او به غنیمت گیریم تا دشمن را با همان سلاح خودش شکست دهیم. این اقدام خود پیاری عوقیت‌آمیز بود. ستون اعزای ارتش مسلح فرانسه بی آنکه امید و انتظار داشته باشد به وسیله‌ی تبدیل شد که حامل سلاحهای امریکائی برای رزمندهگان ما بود. از سوی دیگر حزب کوشید کارگران را به حل مسئله "رهائی با کوششهای خود و تکیه بر نیروی خود" وادارد. و سایر بیابند که دستکم بخشی از تسلیحات و مهمات ضروری خویش را تهیه و تولید کنند. در شرایط بسیار سختی که ما فاقد همه چیز بودیم، کارگران کارگاههای اسلحه سازی ما ابتکارات و استعداد اختراعاتی بیمانند طبقه‌ی کارگر ویتنام را به منتهی ظهور رسانیدند. با این امر آنها مشکلات متعددی را بر طرف ساختند. هم مشکلات تکنیکی و هم مشکلات مادی. آنها آهن را به اسلحه‌ی تبدیل ساختند و قوای ما را به جنگ ترغیب کردند. حزب ما با ابتکارات گونه‌گون کوشید که ارتش خصلت انقلابی خویش را با ثبات رساند، ضعفهای مادی خود را بر طرف نماید و از کلیه امتیازات و تقوی سیاسی خود استفاده کند. در غیر اینصورت چگونه ارتش ما می‌توانست علیه غمگین اسلحه دشمنی را که توانش بسیار برتر بود درهم شکنند؟ سنت اکسایها در ارتش این بود که با بکار بردن روحیه قهرمانی و دلیری در برابر برتری تسلیحاتی دشمن مقابلگی کنیم. تسلیحات ما در جنگ بسیار کم و ناکافی بود. از اینرو نیروهای ما و خلیق ما ناگزیر بود در شرایط بسیار سختی بجنگند و تلفات و قربانیهای سنگینی را تحمل کنند. با این وجود پیوسته ایمان پیدای کردیم که ضعفهای تسلیحاتی ما موقتی است و در هر حال بر طرف خواهد شد.

اکنون ارتش ما وارد مرحله‌ی نوینی شده است. مرحله‌ی دیگری تدریجی و تبدیل به ارتش مدرن انقلابی تا در موقعیتی قرار یابد که هر لحظه بنا گرایشات تجار و زکاراتهای امریکاییستهای یا نکی و دست نشانندگان آنها مقابلگی کند. نیازمندی ما به مدرن کردن و تقویت تسلیحاتی ارتش پیوسته بیشتر آشکار می‌شود. این امر به مفهوم آنست که فقط با انقلاب می‌توان تسلیحات و پایه‌های فنی مادی ارتش را به کسارائی و برتری ارتقاء داد. این انقلاب فنی در درون ارتش بخشی از انقلاب بزرگ فنی است که حزب ما با انرژی تمام در جبهه‌ی ویتنام در پیش گرفته است. کوششهای ما به همان اندازه که صرف تقویت تسلیحات و ارتقاء امور سازمانی و سازمانی ارتش می‌شود، صرفاً در جریان و همراز شدن با تکنیک مدرن نیز می‌گردد. این امر که تسلیحات فنی ارتش نمی‌تواند جدا از ساختن پایه‌های تکنیکی مادی سوسیالیسم پیشرفت کند امریست بی‌تردید. بنا بر این برقراری صلح و رعایت کامل ویتنام این بصریان تکامل را تسبیل خواهد کرد. کوششها و تلاشهای ما باید تکامل بر ساختن اقتصادی، بر تکامل فرهنگی،

و جبران عقب ماندگی اختصاصی ما تمرکز یا پد. در اینجا دیگر سخن بر سر ساختن سوسیالیسم فقط در شمال کشور نیست بلکه پیش از همه و قبل از هر چیز سخن بر سر امر تضمین امنیت ملی و بوجود آوردن امکانات جدیدی می باشد تا اساس و پایه های فنی - مادی ارتش ما را با کارائی هر چه بیشتر پایه گذاری کند.

در دست داشتن سلاحهای فنی مدرن - درست مانند بالا بردن سطح فنی (تکنیکی) و تاکتیکی ارتش ما از امور تعلیماتی ارتش جدا ناپذیرست. تعلیمات در قیاس خود بخش اساسی آبادگی روز افزون جنگی ارتش ما ست. امر تعلیمات و آموزش باید با سخگویی خواسته های جنگ که هدف فنی نابودی دشمن است باشد. از اینرو امور تعلیماتی و آموزشی باید دقیقاً با خطوط استراتژی یکی و اپراتیو/که خود با موقعیت و توان نیروهای متقابل و شرایط مشخص صحنه فنی تعلیمات جنگی بستگی دارد - انطباقی باید، ارتش ما جوانست - تجربیات جنگی آن تا کافیت. بنابراین برایش چیزی جز این باقی نمی ماند که با انرژی تمام تجربیات خلقهای پیشاهنگ برادر را که در راس این اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین قرار دارد سر یساید ست آورد. از اینرو باید از طریق پراتیک پیشرفت. باید بر مبنای تجزیه و تحلیل واقعیات و مشخصات ویژه ویتنام و تجربیات خارج را بطور انتقادی بررسی کرد و با اوضاع ویژه و موقعیت خاص ویتنام انطباق داد. این شیوه ای کار در عین حال شیوه ای است مخالف با امر یسیم و دگما تیسیم. ما در جریان سا زمان و ساختن ارتش خود این امر را پیوسته در نظر گرفته ایم. در جریان پیکار مقاومت جویانه طولانی، تعلیمات ارتش جوان ما می با یست بوسیله ای با نورهای پی در پی با وقفه های کوتاه مدتی که بین دوزخ خورد و دوشکر کسی بوقوع می پیوست انجام گیرد. شمار ما این بود: "تعلیمات جنگی بوسیله جنگ". پس از دو سال نتیجه ای خوبی گرفتیم. این گرایش که تعلیمات و آزمودگی را در پراتیک جنگ بالا بریم بدون برخورد بسا تضاد پذیرفتیم. تعلیمات و کارآموزی نظامی ما بطور مستقیم از پراتیک جنگی بدست آمد و از اینرو چند برابر شد یافت. واقعیت جنگ جریان تعلیمات و کارآموزی نیروهای ما را تمهین کرد و بطور مستقیم و بدون تغییر بر آن تاثیر گذاشت. تقریباً می توان گفت که نیروهای مسلح ما یکروز قبل از آغاز پیکار می آموختند که در صحنه جنگ فردا چه باید کرد. پیروزی یا شکست در عرصه پیکار خود معیار ارزیابی تعلیمات و کارآموزی ما محسوب می شد. همگون شدن تدریجی مواز آموزشی سبب همگون شدن تدریجی امور سازمانی و ساختن و تسلیحات واحد های منظم ما شد. تجربیات جنگی ارتشهای خلقهای برادر - مخصوصاً ارتش رها نیشن خلق چین - را نیز کاملاً غیر دگما تیک مورد استفاده قرار دادیم بطوریکه در موقعیتی قرار گرفتیم پیوسته جنگهای بزرگتر بردشمن تحمیل کنیم و پراتیک جنگی خود را پیوسته غنی تر سازیم. در مرحله ای سازمان و ساختن ارتش پس از پایان جنگ راه تبدیل ارتش را به ارتشی مدرن و آماده به خدمت با انرژی هر چه بیشتر در پیش گرفتیم. طرح امور تعلیماتی و کارورزی طولانی و منظم برای واحد ها و افراد ارتش اهمیت مرکزی یافت. آموزش و تعلیمات و کارورزی منظم و سیستماتیک نظامی

(۱) امر یسیم: اغراق در اصول تجربی دیگران بدون توجه به واقعیات موجود. (پارت)
 (۲) دگما تیسیم: اغراق در اصول تئوریک بدون تفکر انتقادی و پراتیک. (پارت)

شرط مقدّماتی اجرای جنگهای مدرن و ارتش مدرن است و عبارتند از: یکا بردن و سایر وسایل مدرن فنی، شناخت انواع سلاح ها و ابزار یکا بردن آنها، فرا گرفتن تاکتیک ها و تکنیک های سلاح ها و واحد ها با یکدیگر، فرا گرفتن دانش مدرن نظامی. فرا گرفتن تجربیات ارتشهای پیشا جنگ، خلقهای برادر نیز می تواند به ما یاری رساند. عذره بر آن پراتیکی که ارتش خود ما در جریان جنگها بدست آورده است. آری، سخن درست بر سر اینست که تجربیات ما با اصول رهبری مدرن جنگ، تلفیق و انطباق یابد. این امر باید بر اساس خط مشی نظامی حزب و بر اساس موقعیت مشخص، اوضاع با و اوضاع دشمن و اوضاع منطقه جنگی باشد. فقط بدین ترتیب تعلیمات ارتش ما با شیوه ای مدرن و منطبق با شرایط خاص، و یقیناً انجام تواند گرفت.

نما نطوری که بیان شد در پروسه مدرن کردن هر نوع پیشرفتی بیانگر انقلاب فنی ارتش ما است. هر اندازه پایه های تکنیکی - مادی رشد و تکامل یابد به همان اندازه لزوم نیروهای متخصص، شا یسته بیشتری شود و مسلم است که کار ما یه و نیروی بشری ارتش ما بدون متخصص لازم ذره ای بالا نخواهد رفت. عرصه های وسیع مسئولیت امور آموزشی مدرن تسر در این امر قرار دارد. هدف مرکزی و عمده ای امور آموزشی عبارتست از تدارک و آماده ساختن کاررها. کارهای نظامی ما در جنگ بود آمده و مشکل شدند. آنها می دانند که چگونه می توان امور سازمانی و ساختاری ارتش را اداره و رهبری کرد. به عملیات نظامی و جنگی پرداخت، چگونه در تحت شرایط جنگ پارتیزانی جنگید. ولی آنها فاقد تجربیات کافی در امور تاکتیکی و رهبری مدرن جنگ هستند. بنا بر این تلاشهای ما باید متوجه ارتقاء سلاح آگاهی سیاسی و ایدئولوژی آنان، تحکیم موجدیم مبارزهای طبقاتی و بسط شناخت آنان از مارکسیسم - لنینیسم باشد. در این ضمن نباید از ارتقاء سلاح عمومی فرهنگی و دانش و تکنیک نظامی غافل ماند. فقط بدین ترتیب تعلیمات نظامی اعضا حزب که بی تردید دستهای ارتش منظم مدرن انقلابی را تشکیل می دهند می تواند پیشرفت کند. درست در مرحله ای گونی ساختار ارتش ما این مسئله ارزش خاصی به خود می گیرد.

پروسه های رشد ارتش ما و گذارتند ریجی آن از پراگندگی نیروها به تمرکز آنان اجباراً مسئله رهبری و تشکیلاتی مناسب با آنها ایجاد می کنند. معنای این با یکواخت شدن امور سازمانی و تعلیماتی کم مسائلی از قبیل پاداش و ترفیحات، مقررات و ارتقا ثبات و امور مربوط به تسلیحات و غیره. باید حل شوند.

چون ارتش ما از ارتش پارتیزانی بوجود آمده است مسئله تمرکز و یکواخت شدن - که بدون آن ارتش مدرن نمی تواند به سادگی روی پا ایستد - به کنده رشد یافت. سیستم تیزه کردن و متحد الشکل کردن گماند و تشکیلات هنوز پیشرفت چندانی نکرده بود. ولی اکنون در مرحله گذار و تبدیل به یک ارتش منظم مدرن قرار گرفته ایم. برای یک ارتش مدرن، تمایز و اشتراک انواع سلاحها از یکدیگر، رهبری مدرن جنگ، هماهنگی نزد یک سلاحهای مختلف با هم - بهنگام تحریک - بسیار ضرور است. مسئله تمرکز و یکواخت شدن باید غالتق صورت گیرد و به آن و به دیگر مسائل سازمانی

انظباطی، طسراعی و نقشه ریزی ... نیز بیش از پیش توجه زد. ارتش
منظم باید هر وقت با شکل ویژه‌ی رتبه‌ری و مقرراتی مخصوص به خود مناسب
باشد. باید پائینا همای عملیات واحد، هماهنگی نزد یک در جنگ
و مرکزیت فرماندهی و سر فرماندهی تضمین گردد.

ارتش ما ارتش خلقی است زیرا زیر نظر حزب قرار دارد. مقررات جدید
که درباره‌ی فرماندهی و تشکیلات وضع شده اند، مو با بست تجلی
خصیلت انقلابی حزب باشد. همگان خصیلتی که اصول ما زمانی
و سیستم رتبه‌ری در درون ارتش بر اساس آن استوار است، این مقررات باید
بر مبنای واقعیت کشور ما و ارتش ما باشند تا سنت و پسرانیک
حفظ و تحسین یابد.

بی تردید استیغوانبندی خدمت نظامی برای درجه داران و افراد
و بطور کلی در کلیه مدارج نظامی نتایج مثبتی داشته است. از
سیستم پاداش و ترفیحات جم افراد و هم درجه داران بهره مند شده اند.
مقررات داخلی ارتش، دستورات جنگی، انتظامات و پلیس نظامی عوامیلی
هستند که در انحصار و هماهنگی تمام ارتش تاثیر گذاشته است و سر آغاز
تبدیل ارتش ما به ارتش مدرن آماده به خدمت است.

ما مشخصات عمده‌ی سازمان و ساختار ارتش خود را از نقطه‌ی نظر
نظامی بطور خلاصه بیان کردیم. اما منظوریکه واقعیت نشان داده -
مسئله‌ی گذار ارتش و تبدیل آن به ارتش مدرن آماده به خدمت با اقدامات
منحصرا سیاسی که حل مسائل بفرنج گونه‌ی نظامی را در کشور
فرانسی گرفت غیر ممکن بود. یک ارتش بدوا کوچک پارتیزانی، با واحد
های پراکنده و کمبود اسلحه که در سطح بسیار نا زل نظامی قرار داشت
و تشکیلات وسیع و دیسپلین درستی نداشت بتدریج به یک ارتش
مدرن پرتوان با انواع سلاحهای مدرن تبدیل شد، اسلحه و تکنیک
بهتری در اختیار گرفت، تعلیمات منظمی فرا گرفت و سرانجام تشکیلات
و نظام واحد و یکواختی به خود گرفت. این اصول و این خطوط
باید دائما در ارتش ما تاثیر برجای گذارد تا ارتش ما به یک ارتش
پرتوان خصیلق، به یک ارتش مدرن آماده به خدمت تبدیل گردد.

* * *



(۲)
در حالیکه حزب به سرور زمان يك ارتش، خلق نیرومند بوجود می‌آورد
به امر رشد واحد های پارتیزانی و واحد های ذخیره ای نیز
در وقت خاصی مبدول داشت. حزب مسئله‌ی مناسبات بین ارتش و
نیست. بجهت را بدرستی حل کرد

نیروهای مسلح خلق تنها از قوای منظم و قوای منطقه ای تشکیل نمی‌شود.
بلکه در شرایط قابل توجهی پارتیزانی و قوای دفاع از خود را نیز شامل
می‌شود که در سراسر کشور گسترده بودند.

قبل از اتخاذ تصمیم حزب در مورد برجسته ساختن این ضرورت که
تدارك قیام مسلحانه به امر سیاسی نردن توده ها وابستگی دارد تیپ های
گونه گون تشکیلات مسلح و نیمه مسلح بوجود آمدند تا توده های مردم را
از عرصه مبارزات سیاسی به مبارزه سیاسی بکشانند. این نیروها
شامل قوای مسلح دفاع از خود و نیروهای مسلح تحررتی و نیز واحدهای
های پارتیزانی بودند که از منافع گاههای خود در پیایگاههای کوچک
نظامی مناطق کوهستانی باك بو (ویتباک) عملیات خود را آغاز کردند.

پس از تشکیل چند قسمت (که در واقع پیشا هنگان ارتش خلق
و ارتش منظم ما محسوب می‌شوند در مجاورت آنها در مناطق مختلف واخذ
های مسلح محلی و شبکهای وسیعی از نیروهای نیمه مسلح بوجود آمدند.

هنگامی که تا سپس شعبه تبلیغاتی ارتش را میبخش و یتنام
مسلح شد. پرزیدنت هو، چی مین موشع، کلیدی، تشکیلات مسلح و نیمه
مسلح نوین را تعیین کرد. او ضرورت برقراری روابط و مناسبات حسنیه
یا ادعایی و هماهنگی واحد ها را با یکدیگر برجسته ساخت. به همان اندازه
که مبارزه مسلحانه و پییکار رها میبخش، ما رشد و توسعه می یافت لشکر
ها نیز از یکدیگر متمایز و مشخص می شدند. صرف نظر از این قوا، هنوز
پارتیزانها و چریکهای مسلح و نیمه مسلح نیز وجود داشتند که
می جنگیدند و منطقه‌ی عملیاتشان شامل سراسر کشور بود. قوای منظم
این فونکسیون را داشت که در عرصه وسیعی به جنگهای تحرکی بپردازد.
هدف در هم شکستن نیروهای مسلح دشمن بود. قوای مسلح منطقه ای
مؤلف بودند عملیات خود را در مناطق ویژه خویش انجام دهند و
در جریان عملیات خود، عملیات واحد های منظم پارتیزانی را با چریکها
هماهنگ سازند. سرانجام نوبت به چریکهای محلی می رسید که ما تصور
دفاع مسلحانه از دیکدی خود، کار در امور تولیدی و طبعی شدن
به نیروهای مسلح منطقه ای و نیروهای مسلح منظم برای تدارك و اجرای
جنگهای بزرگ بودند.

کار و عملکرد این سه فورماسیون (تشکیلات) مسلح کاملاً مناسب با
خواسته های خلق ما بود. این واحد ها، توان جنگی ارتش و خلق را

* در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۳ واحد تبلیغاتی ارتش رها میبخش و یتنام از زبده ترین
افراد گروههای پارتیزانی که در استانهای کائوباک و باک کان و لانکسون عملیات
انجام می دادند تشکیل شد. از ۳۴ سرباز و افسر به فرماندهی معلم تاریخ (جیپ).

بالا می بردند و سراسر خلق را به پیکار مقاومت جویانه علیه دشمن وارد می کردند. وجود این سه تیپ، نیروی مسلح بی تردید تجزیه‌ی سیاست "تمام خلق زیرسلاح" بود. این سه دسته نیروی مسلح تجزیه‌ی تیپ‌های سازماندهی واحدهای مسلح در جنگ انقلابی هستند. حزب ما بر این عقیده بود که برای آغاز جنگ خلق، این سه نوع تشکیلات مسلح ضرورت دارند. علاوه بر آنها، واحدهای مسلح منظم نیز می‌تواند با یست‌ها و واحدهای نخبه‌ها در اختیار داشته باشد. کوششهای حزب پیوسته صرفاً ساختن و توسعه‌ی دستجات دفاع مسلح از خود و واحدهای پارتیزانی می‌شد. این واحدها و دستجات در سراسر کشور گسترش یافتند. همیشه‌های انقلابی خلق که در همه جا وجود داشت و سلولهای حزبی که در سراسر کشور تأسیس شدند پایه و اساس عملیات پارتیزانها و مبنای قیام خلق را در سراسر کشور تشکیل دادند. عملیات تلفیقی واحدهای پارتیزانی و چریکها دشمن را واداشت که قوایش را پراکنده و متفرق سازد. توفیق حاصل شد که دستجات قوای دشمن پراکنده شوند، و در نقاط مخصوصی بند و گرفتار آیند. بدین ترتیب منظم‌ترین واحدهای تحریکی ما توانستند برای تحریکات و حملات نا بود کننده نفس تازه کنند و به تقویت خود پردازند. چریکها و پارتیزانها پشت جبهه‌ی دشمن را صرفاً مقیم جبهه‌ی خود ساختند و با یگانه‌های پارتیزانی خود زمینه‌ای بوجود آوردند که قوای منظم تحریکی ما بتوانند به حملات آنها جوی و تعرضی بر مناطقی در زمین پردازند. چریکها، توان انسانی و مادی ما را تضمین می‌کردند. آنها هم در جریان پیکار مقاومت جویانه و هم در جریان تولیدات و وظیفه‌ی خویش را انجام دادند. آنها موفق شدند نقشه‌ی دشمن را، مبنی بر اینکه جنگ را با جنگ اداره کنند و بوسیله‌ی ویتنامی‌ها با خود ویتنامی‌ها بجنگند، کاملاً برهم زدند. چریکها در مناطق آزاد شده به پیکار مقاومت جویانه و مبارزه با جاسوسان پرداختند. آنها با یگانه‌های خود همیشه‌های خلق و حزبی منظمی خود را تضمین می‌کردند. در عین حال گروههای تحریکی نیز بودند و فعالیت‌های برجسته‌ای نیز در امر تولیدات و تدارکات و حمل و نقل ادوکه انجام می‌دادند.

بند ریج در جریان جنگ و کار آموزشی دستجات پارتیزانی رشد و توسعه یافتند و به نیروهای مسلح منظم تبدیل شدند. آنها برای ارتش خلق هم سرباز و هم کادرهای تحریکی شدند که کارگشتگی جنگی و آگاهی سیاسی وسیعی داشتند. پارتیزانان برای حزب ما به مفهوم پیروزی در خشکان و پارتیزانک نویسنی در اجرای جنگ و در سازمان و ساختن نیروهای مسلح منظم محسوب می‌شود.

امروز با گذار انقلاب به مرحله‌ی نوین، اوضاع و احوال گام‌ها دگرگون شده است. ارتش خلق را در راه تبدیل شدن به یک ارتش مدرن منظم گام نهاده است. بی تردید جنگ احتمالی آینده خصوصیات جنگهای مدرن را خواهد داشت. با این وجود اصول جنگ خلق از نظر ما دور نخواهد ماند. توأم امر دفاع ملی پیوسته و وظیفه‌ی تمام خلق باقی می‌ماند. ولی با این امر بهیچوجه نقش پارتیزانها محدود

تخواهد ماند. باز هم پارتیزان نیروی استراتژی یا قی خواهد ماند. همچنین جنگ پارتیزانی نیز اهمیت استراتژی خود را از دست نخواهد داد. در آینده نیز نیروی جنگی ما تنها منحصر به ارتش منظم مدرن نخواهد ماند. نور ما سیونهای مسلح و نیمه مسلح تمام خلقت، سراسر خلقت ما در تمام جنگی بسیار نزدیک با ارتش منظم عملیات خود را انجام خواهند داد.

در حال حاضر، شمال کشور ما به راه سوسیالیسم گام نهاده است. مبارزه بین دو راه سوسیالیسم و سرمایه داری شهروروستا را فرا گرفته است. دیکتاتوری پرولتاریا توجه نهائی ما است. ثبات و تقویت تشکیلات پارتیزانی و چریکهای دفاع مسلحانه از خود، هم در روستا و هم در عرصه های کارپردازی و تأییدی ما است. در ضمن برای اینکه نیازمندیهای ساختمان یک ارتش مدرن آماده به خدمت و ساختمان اقتصاد کشور بر طرف شود باید در مجاورت ارتش اکتیو دستجات ذخیره نیز بوجود آید. این دستجات نیروهای ذخیره موظف هستند همه های خلق را بسیج کرده. سازمان دهند و از نظر تربیاتی تعلیمات دهند تا هر فرد از اهالی کشور آمادگی داشته باشد برای وطن دستبکار شود، هر حمله تجسوسی را در هم شکنند. دستجات پارتیزانی و قوای دفاع مسلح از خود بپایان و پیاپی واحد های ذخیره ای را تشکیل می دهند. وظیفه ای آنان عبارتست از:

الف - فراخواندن اهالی به ارتش اکتیو و آماده به خدمت.

ب - تضمین امور تولیدی.

ج - در جبهه جنگ خدمت کنند و بصورت پارتیزان بجنگند.

با وجود موضع مرکزی دستجات پارتیزانی و ذخیره ای پس از پایان جنگ هنگامیکه سخن بر سر اجرای خدمت نظام وظیفه عمومی در استانهای ویژه بود آرایش بزرگتر که به عملکرد و نقش پارتیزانها کم بهیچا می داد. قوای ذخیره ضمیمه ارتش افراد برای ارتش منظم در نظر گرفته می شد. پس از اینکه این گرایش نادرست اصلاح شد و ضمیمه بهبودی یافت. توده ها از اجرای خدمت نظام وظیفه عمومی پشتیبانی کردند. واحد های پارتیزانی و دستجات دفاع مسلح از خود و قوای ذخیره پیوسته رشد و توسعه یافتند. وظیفه ای ما اینستکه تقویت و گسترش واحد های پارتیزانی و نیروهای دفاع مسلحانه از خود و نیروهای ذخیره ای را در پیش گیریم. ضرورت این امر از اینرو بیشتر شده است که ما پس از جنگ ناچار شدیم قوای سراسری اکتیو خود را کاهش دهیم تا نیروهای خود را برای رونق و شکوفان شدن امور اقتصادی آزاد کنیم و به کار اندازیم. بدین منظور شناخت جنگ خلق و ارتش خلق نیروی ضرورت میسر دارد. لازمت امور تشکیلاتی و امور تعلیماتی و آموزشی از مسیر مبارزه طبقاتی منحرف نشود. لازمت در باره سنت و پیروزی پارتیزانها و جنگ پارتیزانی کار و مطالعه کافی شود. این خود تعاس نزدیک و هماهنگی بیشتر بین ارتش منظم و دستجات پارتیزانی و نیروهای ذخیره ای را افزایش می دهد. در عین حال رهبری کمیته های حزب

و سرکردگی آنها را در ارگانهای نظامی محلی و در دستجات پارتیزانی و توای ذخیره ای دقیق تر و منظم تر می گردد.

نمی توان از مبارزه مسلحانه و از تاسیس نیروهای انقلابی سخن گفت بی آنکه عملکردهای پشت جبهه را نادیده گرفت. اهمیت استراتژی عملکردهای پشت جبهه، هم در جریان مبارزه مسلحانه و هم در سازماندهی و سازمان نیروهای مسلح موثر است. در آغاز جنگ دوم جهانی یعنی هنگامیکه حزب ما تدارک و آماده شدن برای تمام سلحشانه را تبلیغ می کرد - ما هیچ نیروی نظامی در اختیار نداشتیم، یک وجب زمین آزاد شده وجود نداشت که بجا بهی یا یگانه عملیات مورد استفاده می ما قرار گیرد. در نتیجه، بطور مخفی "مراکز بسیار کوچک نظامی" تاسیس کردیم که بزودی مناطقی وسیعی شامل شش استان در ویت نام شد و تحت کنترل ما قرار گرفت. تجربه ای انقلاب اوت اهمیت پایگاههای انقلابی را نشان داد. بدین ترتیب درستی خط مشی حزب ما که سازمان دادن پایگاههای انقلابی و بوجود آوردن مناطق آزاد ویت نام را تبلیغ می کرده اثبات رسید. این تجربه بصورت وسیعتری در جریان مبارزه مقاومت جویانه نیز تکرار گردید. حزب ما از برجسته ساختن اهمیت عظیم تاسیس پایگاههای پشت جبهه و درست نگه داشتن آنها غافل نشد. هدف دشمن که در هم شکستن ارگانهای سر فرماندهی ما و در نتیجه درهم شکستن مبارزه مقاومت جویانه می بود خود بیان کننده تلاشهای سرسختانه ای استعمارگران فرانسه بود تا پایگاههای ما را از جنگ با بر بیا بند. ولی آنها بی در پی با شکست روبرو شدند و سرانجام درهم شکسته و منهدم شدند. ارتش ما و خلق ما با دست یگانه شدن بیامانند ی پایگاههای ویت نام را نگهداری کرد. اینها پایگاههای مرکزی مقاومت را تشکیل می دادند و مناطق آزاد شده شطاره چهار و پنج و منطقه بیامان بین می و نام بو بوسیله همین پایگاههای اصلی مرکزی کنترل می شدند. در جریان جنگ چریکهای مسلح به گلیسه ای مناطقی که بوسیله دشمن کنترل می شدند حمله ور شدند. در گلیسه - عرصه های جنگ - شمال و مرکز و جنوب ویت نام - دلیرانه و استوار جنگیدند تا در مجادله ورت پایگاههای موجوده پایگاههای دیگری تاسیس کنند. فشار بر دشمن پیوسته شدیدتر و بیشتر شد بطوریکه امکان حملات برای ارتش نیز پایگاههای عملیات می توانست تشکیل یا بد. حزب برای نگهداری پایگاههای ما و تقویت مناطق پشت جبهه در مجادله ورت مانورهای دفاعی نظامی برنامه ای فعال کننده ای نیز تنظیم کرد و به بسیج و آموزش و سازماندهی توده ها پرداخت. تولیدات می با یستار شد یا بند و در مورد تشکیل فورما سیونهای مسلح و نیمه مسلح مناطقی تبلیغ کرد. نقش کلیدی پایگاههای انقلاب که پیوسته قوام بیشتری می یافتند بخاطر عملکردشان در سازمان و ساختن ارتش و تضمین مسئله حمل و نقل خوار و یار و مهمات برجسته تر گردید. این پایگاهها ادامه ی مبارزه و مقاومت جویانه می طولانی را تضمین کردند که سرانجام به پیروزی منجر گردید.

اکنون چون شمال کشور ما تماماً آزاد شده است این بخش از کشور ما عملکردهای منطقه ای پشت جبهه را برای ارتش ما بر عهده دارد. بر همه آشکار است که در جنگ مدرن، پشت جبهه فاکتور ثابت و مسلطی در پیروزی است. رهبری مدرن جنگ بکار انداختن گلیسه منابع اقتصادی، سیاسی و نظامی را

ایجاب می کند. بکار انداختن گلیه‌ی نیروهای انسانی و مادی در رهبری و اجرای مدرن جنگ ضرورت دارد. در مورد اهمیت پشت جبهه پلنوم نهمین کمیته مرکزی حزب ((دوازدهمین پلنوم (۱۹۵۲)) بطور واضح چنین تصویب کرد:

«تفادیم برنامه‌ای که امر ساختن و تثبیت مناطق پشت جبهه‌ی ما را در تمام نقاط مربوطه ضروری سازد. این مناطق باید منابع غنی و ثروت‌مند انسانی، مالی و مادی در اختیار داشته باشند تا احتیاجات تسلیحاتی و انسانی را - هم در دوران صلح و هم در زمان جنگ - تضمین کنند. این ضرورت باید عیاً پیدا شود. بودجه‌ی کل کشور و طرحهای اعتبارات و تصامیر داخلی مختلف داخل کشور با امر ساختن پشت جبهه و تثبیت آن ارتباط پیدا کند. ارتش باید علاوه بر تقویت امور مانی و سازمانی خود با انرژی هر چه بیشتر در راه تثبیت و قوام پشت جبهه‌ی گام بردارد. بیشتر از همه باید بوسیله‌ی بکار بردن سیاست اقتصادی و مالی در امر تولیدات و پراتیک اقتصادی پشت جبهه را ثبات و قوام بیشتری بخشد.»

از نقطه‌ی نظر مائستی در مرحله‌ی کنونی وظیفه‌ی انقلابی اینست که با آزادی کامل شمال کشور را که در راه ساختن سوسیالیسم گام برمی دارد منطقه‌ی پشت جبهه، سا زیم و به پایگاه انقلاب سراسر کشور مبدل کنیم. فقط هنگامی که انسان اهمیت استراتژیکی پشت جبهه را درست ارزیابی کند می تواند ثبات و قوام پشت جبهه را پیش براند، امر دفاع ملی را تقویت کند. ساختن و سازمان‌نیروهای مسلح و تقویت آن با ثبات و قوام سیاسی و اقتصادی پشت جبهه همخوانست. لازمت جهش سوسیالیستی را عملی کرد، نظام دولتی و اجتماعی را برجسته ساخت، دیکتاتوری علیه غیر انقلاب را تقویت و مستحکم ساخت، حسن مین دوستی و عشق به سوسیالیسم را در توده‌ها برانگیخت، همیاری و آمادگی برای امر دفاع ملی را در میان خلق زنده نگهداشت، ثبات و قوام پشت جبهه را در گلیه‌ی شرایط تضمین نمود. باید همه‌ی اقدام‌ها انجام گیرد تا امور اقتصادی سازمان یابد، صنایع سوسیالیستی و کشاورزی رشد یا بند تا بدین ترتیب شرایط زندگی ساکنین کشور بهبود یابد و تمام احتیاجات ارتش را تأمین و تضمین گردد.

اکنون در کشور ما مجدداً صلح برقرار شده است. چنین بنظر می رسد که تناوب نیروها در عرصه‌ی بین‌المللی و جهانی به سود صلح و در جهت آن دگرگون شده است. با وجود این، کشور ما تشییع شده باقی مانده است و امپریالیستهای امریکائی گلیه‌ی اهرمها را بکار می‌اندازند تا بخش جنوبی کشور ما را به مستعمره‌ی تیسپ نوین و پایگاه نظامی امریکا مبدل سازند. آنها در امور داخلی کشور لااقل در دخالت می‌کنند، امنیت ویتنام شمالی را تهدید می‌کنند. با در نظر گرفتن این موقعیت بحرانی، توجه به مناسبات بین ارتش و پشت جبهه، بین امر دفاع ملی و اقتصاد کشور ضرورت فزاینده دارد. از یکسو باید مخارج دفاعی تقلیل یابد تا منابع نوین برای ساختن اقتصادی کشور آزاد شوند. چه، تنها بدین ترتیب ساختن سوسیالیسم می تواند پیشرفت کند، پشت جبهه قوام یابد، شرایط زندگی اهالی کشور بهتر شود و مقدمات و شرایط اولیه برای امنیت کشور فراهم آید. از سوی دیگر باید برای ارتقاء راندمان کلیه ارتش از تکمیل واحد های پارتیزانی و ذخیره‌ای فروگزارى نکرد. بی آنکه امنیت ملی و ساختن اقتصادی در معرض خطر قرار گیرد. هر گاه در انجام این امور

موفق شویم ، با ختمان سوسیالیسم در شمال کشور پیوسته موفقیتها، بزرگتری بدست خواهد آورد ، شمال کشور را دستخوشی برای مبارزه ما از طریق سلامت جویانه برای وحدت مجدد کشور خوانند شد .

در این هنگام که وارد سی امین سالروز تأسیس حزب من شویم از شما مدعی راه پراگندگی که پشت سر گذاشته و طی کرده ایم شور و اشتیاقی در خود حس می کنیم ، خلیج ما با اعتماد کما و سر - بلند به موفقیتها و پیروزی هاء بزرگ حزب ما که پرزیدنت هو چن میسن در رأس آن قرار دارد می نگرد .

تجربهای تاریخی نشان داد که تئوری صلحمانه در جنبش انقلابی خلق ویتنام موثقم کلیدی به خود گرفته است ، نیروهای مسلح خلق نقش قاطعی در پیروزی انقلاب داشته اند ، با انتیاب لحظه درست ، خلق ما شرایط را برای پیروزی انقلاب اوت بوجود آورد ، تصمیم به موقع برای مبارزه مسلحانه ای طولانی ، شرایط پیروزی ما گردید .

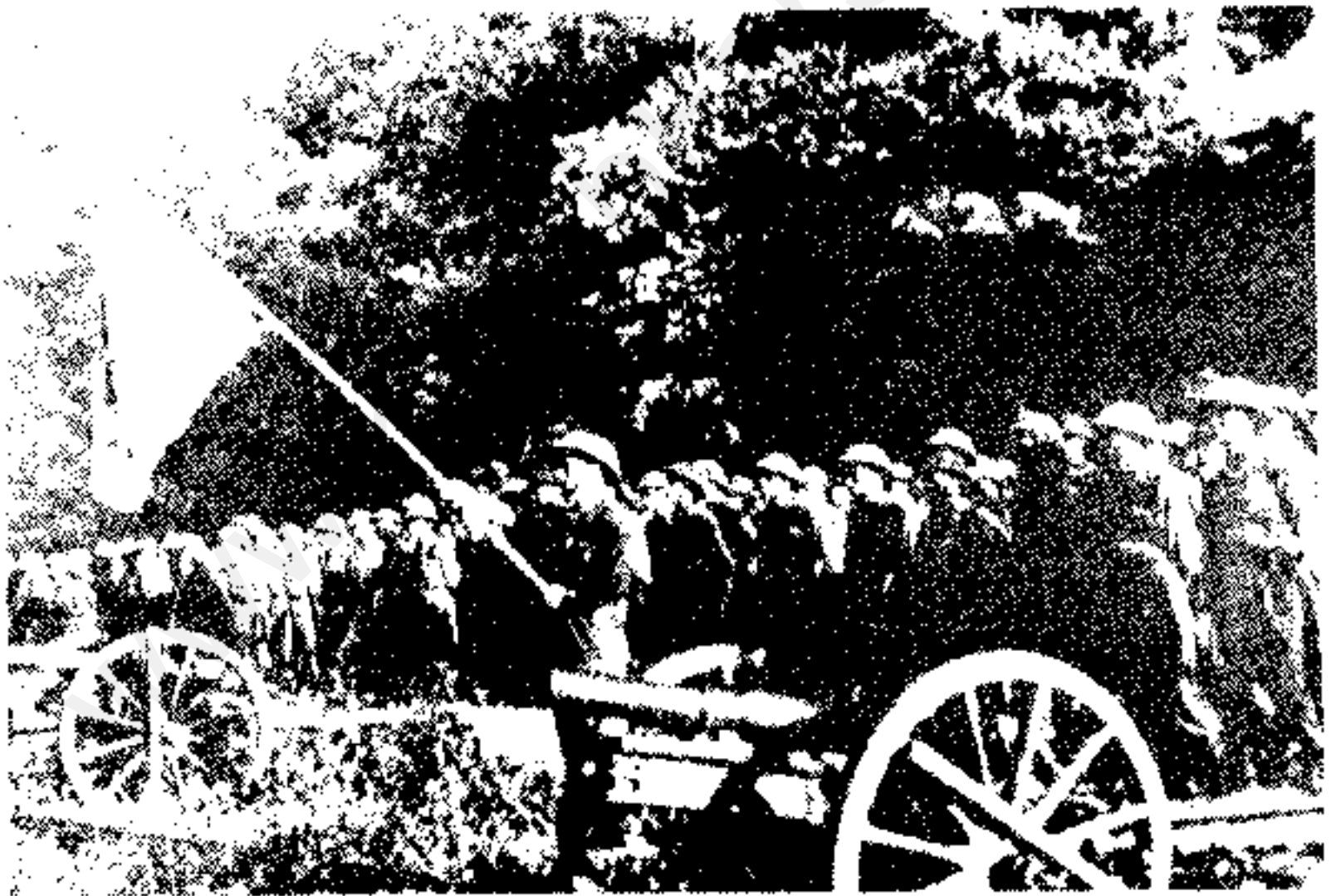
تجربهای تاریخی نشان داد که حزب ما از بدو تأسیس در جنبش انقلابی خلق ، در مبارزه مسلحانه ، در سازمان و ساختار نیروهای مسلح انقلابی ، در مبارزه مصمانه علیه امپریالیسم و آربابان فئودالی لحظه ای از امر رهبری غفلت نکرد ، غیر از حزب ما هیچکس برای این امر شایسته نبود ، رهبری حزب شما من اصلی موفقیت مبارزه مسلح خلق بود ، زیرا فقط حزب ما که تجلی اراده انقلابی کامل عیار - طبقه کارگر است شجاعت کافی داشت خلق را رهبری کند ، او را بسیج کند و یاد ستیهای خالی علیه آربابان استعماری فرانسه و وفا ستیهای ژاپنی بیاخیزد ، خلق ما که در ابتدا فقط با چوبدستی مسلح شده بود به پیکار مقاومت جویانه طولانی پرداخت ، با نیرو و انرژی بی مانندی جنگید ، حزب ما فقط با سلاح ما رگسیسم - لنینسیم در عوقصیتی قرار داشت که خط مشی درست سیاسی و نظامی را تعیین و تمرین کند که مناسب با شرایط مشخص کشور ما باشد و تئوری صلحانهی خلق ما را به پیروزی رهبری کند ، پیروزی عظیم دین بین فو برای تئوری صلحمانه ای طولانی ، خلق ما که تحت رهبری حزب ما در پیش گرفته شد پایان موفقیت آمیز بود .

ما اکنون وارد مرحله ی مبارزه ی سیاسی بخاطر اجرای انقلاب دموکراتیک ملی در سراسر کشور شده ایم . ما اکنون در راه اجرای ساختمان سوسیالیسم در شمال کشور گام برمی داریم ، هدفی عمدی سیاست ما برقراری و حفظ صلح است ، با این وجود ، گذار به مبارزه سیاسی و در پیش گرفتن سیاست سلامت جویانه به هیچ وجه به مفهوم این نیست که دیگر حزب ما در راه طولانی و دشوار انقلابی قرار ندارد ، به مفهوم این نیست که اکنون دیگر ضرور حس نکند هر نوع کوشش تجمعا و زکارانهی دشمن را در هم نشکند و برای ساختمان کامل ارتش از هر نوع تلاش و مراقبت فروگزاری ننماید .

درست هم اکنون ، در شمال کشور ، ما در برابر مسئله ی شواری قرار داریم : از یک سو امر ساختمان اقتصادی و فرهنگی مرکز فعالیتها را تشکیل میدهد و از سوی دیگر حزب ما مسئله ی " تعیین دفاع ملی ، تقویت نیروهای مسلح

انقلابی ، تبدیلی ارتش خلق به ارتش مدرن آماده به خدمت " را یکی از وظایف اصلی وعده‌های حزب و خلق تلقی می‌نماید (قطعنامه‌های پلنوم کمیته مرکزی / دوازدهمین پلنوم) . در مسیر انقلابی که حزب ما و خلق ما در پیش گرفته مشکلات عظیمی وجود دارد . ما باید هر یک از مراحل این پروسه‌های طولانی و دشوار را بتدریج طی کنیم تا انقلاب دموکراتیک خلقی در سراسر کشور تکمیل شود ، سوسیالیسم در شمال کشور تثبیت یابد و پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم در کشور ما و در سراسر جهان تضمین یابد .

به مناسبت سی امین سالروز تأسیس حزب پر افتخار ما ، وظایف عمده ما حکم می‌کند گام‌های نیروها را بکاراندازیم تا تجربیات سرشار مبارزه مسلحانه و سازمان و سازمان‌های نیروهای مسلح انقلابی را بکاربریم ، آنها را بطور غیرگمانگشاز در شرایط تاریخی درگرفته‌ای بغاظر تا همین امر دفاع خلقی و سازمان و سازمان‌های کاپتر - ارتش بکار ببریم .



یک هنگ از ارتش خلق و بیتنام قبل از آغاز پیکار عظیم دین بین فو

انتشارات پارت

- هوچی مین - مجموعهی آثار / جلد اول
ژنرال جیاپ - جنگ خلق - ارتش خلق
ژنرال جیاپ - جنگ رهائیبخش ملی در ویتنام
چه گوارا - خاطرات جنگهای رهائیبخش کوبا
چه گوارا - جنگ پارتیزانی
چه گوارا - انسان و سوسیالیسم در کوبا
چه گوارا - مجموعه ایاز مقالات
فیدل کاسترو - مجموعهی سخنرانی ها / جلد اول
رژی دبره - انقلاب در انقلاب ؟
کیم ایل سون - دورسالسه
اقتصاد سیاسی / ۱ ماقبل سرمایه داری
اقتصاد سیاسی / ۲ سرمایه داری
اقتصاد سیاسی / ۳ امپریالیسم
هوچی مین - یاداشتهای زندان
هوچی مین - وصیت نامه
خم - دختر پارتیزان (کامبوج)
کاست گفتار و موسیقی

سرود های انقلابی خلق و ارتش ویتنام ۶۰ دقیقه
زندگی و آثار هوچی مین ۹۰ x ۲ دقیقه
آدرس انتشارات پارت

Postfach 23007

D-6500 Mainz/23

W. GERMANY